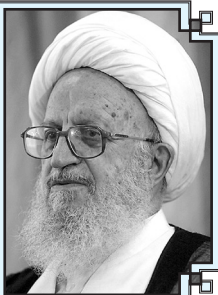


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

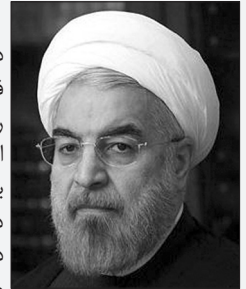


رئیس جمهور در جمع سران سازمان همکاری اسلامی تأکید کرد

صهیونیسم منبع اصلی تولید خشونت و افراطی گری

در اجلاس سه‌روزه سران سازمان همکاری اسلامی در ترکیه که آل سعود و برخی همپیمانانش تلاش کردند، فضایی ضدایرانی و ضدحزب‌الله بر آن حاکم کنند، دکتر روحانی رئیس‌جمهور کشورمان تقویت روابط با کشورهای اسلامی را از اولویت‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران برشمرد و با تأکید بر اینکه هر حرکت تفرقه‌افکنانه‌ای در سازمان همکاری اسلامی قطعاً بی‌اعتبار است، اظهار داشت: اختلافات در جهان اسلام، معضل همه ماست و حل‌وفصل اختلافات و سوءتفاهمات صرفاً از مسیر دیپلماتیک و با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و انجام مذاکرات میسر است.

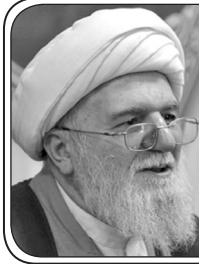
ادامه در صفحه ۸



آیت الله تسخیری:

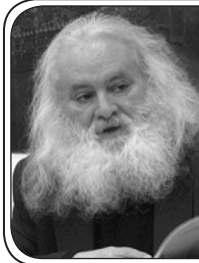
جامعه اسلامی، در جاتی است نه طبقاتی و سوسیالیسی

صفحه ۷



دکتر جابر عناصری، پدر پژوهش تعزیه ایران در گذشت

صفحه ۸



شیخ حسن عبدالله الترابی رهبر فکری حرکت اسلامی سودان

استاد سید هادی خسروشاهی

صفحه ۴



گفتگوی با قاسم تبریزی؛ پژوهشگر معاصر

نقش سید جمال الدین اسدآبادی در جهان اسلام

اشاره: زندگی بسیاری از شخصیت‌های تاریخ ایران در پرده‌ای از ابهام و غبار وجود دارد. مانند سید جمال الدین اسدآبادی که به حق او را باید پایه گذار مبارزه اسلامی با استعمار دانست.

سید جمال‌الدین اسدآبادی، در سال ۱۲۱۷ شمسی در اسدآباد همدان متولد شد. از پنج سالگی به فراگیری دانش نزد پدر خود پرداخت و بخاطر استعداد و نبوغ خود، بزودی با تفسیر قرآن آشنا شد. برای ادامه تحصیل به قزوین و سپس تهران مهاجرت کرد و سپس در ۱۲۲۸ عازم نجف شد و از محضر دو مرجع تقلید بزرگ زمان، شیخ مرتضی انصاری و ملاحسینقلی در جزینی همدانی بهره برد. سید جمال در ۱۲۳۲، بنابه دستور شیخ‌انصاری عازم هندوستان شد و ضمن آشنایی با علوم جدید سعی کرد تا مردم و خصوصاً مسلمانان را علیه استعمار انگلستان بسیج کند. اما به دلیل سلطه همه جانبه انگلیسی‌ها پس از یک سال و نیم آنجا را ترک و عازم عثمانی شد و چون با حسادت علمای درباری آنجا مواجه شد به مصر مهاجرت نمود. سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر توانست یک نهضت فکری ضد استعماری و ضد انگلیسی را پایه گذاری کند و تشکیلاتی به نام «انجمن ملی» را به وجود آورد اما بر اثر فشار انگلستان مجبور به ترک مصر شد. حرکت سید جمال، توسط شاگردانش از جمله شیخ محمدعبده دنبال و در سالهای بعد زمینه ساز قیام مردم مصر علیه استعمار انگلستان گردید.

سید جمال پس از ترک مصر، مدتی در هند اقامت نموده و سپس راهی اروپا شد. در پاریس با همکاری محمد عبده اقدام به انتشار روزنامه «عروة الوثقی» نمود و به پاسخگویی به «رنست زنان» که مقالاتی علیه اسلام در یکی از روزنامه‌های پاریس، می‌نوشت، پرداخت.

سید جمال بعدها به دعوت ناصرالدین شاه، به ایران آمد و گمان می‌کرد که می‌تواند با نزدیکی به شاه، اندیشه‌های اصلاح طلبانه خود را به اجرا بگذارد، اما چون ماهیت و طبع شاهانه با هیچ اصلاحی موافق نبود و سید نیز، شاه را آشکارا عامل بدبختی مردم معرفی می‌کرد، از ایران اخراج شد. سید جمال وقتی برای دومین بار به ایران آمد، به آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری پناه برد و در آنجا علیرغم کنترل مأموران، مردم را به قیام علیه بیادگری شاه تشویق می‌کرد؛ لذا ناصرالدین شاه دستور اخراج او را در حالیکه بشدت بیمار بود صادر کرد. سید جمال پس از اخراج از ایران وارد بصره شد و با سید علی‌اکبر شیرازی

همچنین ابعاد مختلفی که چنین شخصیت‌هایی دارند، ترسیم و ارائه شخصیت‌شان در یک جلسه، یک کتاب و حتی چند جلد کتاب هم مشکل و گاهی غیر ممکن است. به هر مقداری که شخصیت فرد مورد نظر عظیم‌تر و دارای ابعاد بیشتری باشد این مشکل و معضل بیشتر وجود دارد، خصوصاً اینکه این شخصیت فراتر از یک مملکت و یک منطقه کار کند و دوم اینکه دارای دشمنان و دوستان زیادی باشد. سید جمال‌الدین این ویژگی را دارد.

در ابتدا می‌شود گفت که او یک عالم مذهبی بود. یک روحانی که درس حوزوی را خوانده، به عنوان یک طلبه نخست در همدان، مدتی در قزوین و بعد هم در نجف اشرف در درس را ادامه داده. به خصوص که در این دوران در کلاس دو استاد برجسته حضور داشته و این باید در شکل‌گیری شخصیتش تأثیر شگرفی داشته باشد. یکی از آن اساتید شیخ مرتضی انصاری است که بزرگترین عالم و بزرگترین استاد فقه دو قرن اخیر تشیع است و نفر دوم استاد برجسته و عارف بزرگ ملاحسینقلی همدانی است که ایشان یک مکتب عرفانی منطبق با نیاز زمان راهبری می‌کند و شاگرد سید علی شوشتری است. مکتب عرفانی ملاحسینقلی همدانی از یک طرف شاگردانی مثل مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی بزرگ (استاد عرفان امام) و میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (استاد اخلاق امام)، سید عبدالحسین لاری، میرزا محسن قاضی طباطبایی پدر شهید قاضی طباطبایی و سید احمد کربلایی و... را پرورش داده است.

عرفانی که ملا حسینیقلی ارائه می‌داد منطبق با علم به معنای دانش، عقل، دین و معارف اهل بیت است. یعنی عرفانی است که صوفی‌گری، درویشی‌گری، راهبانی‌گری، تهجد صوری و قشری‌گری از آن در نمی‌آید. یعنی اگر شما این مکتب را بررسی کنید از یک طرف علامه طباطبایی و سید حسن الهی خروجی دارد (البته این بزرگواران از شاگردان آقای قاضی‌اند که ریشه علمی - معنوی آنها به ملا حسینیقلی برمی‌گردد) و از طرف دیگر امام خمینی می‌آید. شاگردان این دو بزرگوار هم افرادی همچون: شهید مطهری، شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید باهنر، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید مفتاح و امثال اینها هستند. به هر حال سید جمال‌الدین اسدآبادی مکتب عرفانی حسینیقلی را درک کرده و با شخصیت‌های بزرگی هم آشنا شده که در مکتب شیخ



انصاری و ملاحسینقلی همدانی درس خوانده‌اند. اینجا باید اشاره‌ای به این موضوع شود که یکی از مشکلات جامعه علمی ما این است که در ترسیم شخصیت‌های اسلامی می‌خواهیم از تحول اجتماعی - سیاسی به آن شخصیت برسیم و یا از طریق شخصیت سیاسی به کلیت آن شخصیت برسیم، در صورتی که این بررسی تنها یک بخشی از کلیت شخصیت آنها می‌باشد. یعنی اگر سید جمال سیاسی نبود چه بسا یک مرجع، یک فیلسوف اسلامی یا یک عارف اسلامی می‌شد. گاهی این پرداختن به فعالیت‌های سیاسی حجابی می‌شود برای شناخت ابعاد دیگر شخصیت او. چون عمدتاً شاگردان شیخ انصاری مثل میرزای شیرازی جزو علمای دینی و شاگردان ملاحسینقلی از عرفای برجسته هستند. چه مقدار از شاگردان آقای انصاری و ملاحسینقلی به مسائل سیاسی پرداختند؟

دو موضوع مطرح است یکی قرار گرفتن شخصیت‌ها در جایگاه خاص است، دوم احساس تکلیف کردن. مثلاً فرض کنید یکی از شاگردان شیخ انصاری و ملاحسینقلی، آقای سید حسین لاری از چهره‌های مبارز علیه انگلیس در جنوب ایران است. ایشان مرجعیت داشته و وقتی مردم لار به میرزای شیرازی می‌گویند ما می‌خواهیم آقا سید عبدالحسین را به شهرمان ببریم، ایشان در جواب می‌گوید: شما می‌خواهید همه حوزه را با خودتان ببرید؟ وقتی هم به لار می‌روند برای همه شهرهای جنوب ایران، امام جمعه تعیین می‌کنند. اجرای حدود الهی را مطرح می‌کنند و به انگلستان لقب ابلیس می‌دهند - مثل ما که آمریکا را شیطان می‌دانیم- تا جایی مبارزه می‌کند که انگلیسی‌ها او را تعقیب می‌کنند و حتی می‌خواهند ایشان را دستگیر کنند. خانه‌اش را آتش زده و افراد تحت نظر ایشان را دستگیر می‌کنند. وقتی خبر محاصره سید به یکی از قشقای‌های می‌رسد او با سرعت می‌آید کنار سید و ایشان را روی اسب سوار می‌کند و به فیروزآباد می‌برد. منظور از گفتن این نکات این است که بگویم وقتی علما احساس مبارزه می‌کردند مستقیماً وارد عمل می‌شدند.

ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه اول

یا مثلاً میرزای شیرازی با فتوای تنباکو کمر استعمار انگلیس را شکست. خب منشأ نهضت انقلاب مشروطیت ایران، نهضت تنباکو است. الان مشکل ما در تاریخ سه مسئله است. یکی اینکه تاریخ نگاری ایران عموماً به دست استعمار و عوامل آن نوشته شده است. یعنی مراکز شرق شناسی، ایران شناسی و مراکز تاریخی وابستگان به غرب است. مشکل دیگر این است که برخی از تاریخ‌نگاران ما به دلیل عدم دسترسی به اسناد یا عدم بینش تاریخی، نتوانستند تاریخ را بنویسند. مشکل سوم دوران پهلوی است که در آن زمان فرصتی برای نیروهای آگاه و مذهبی وجود نداشت که بتوانند تاریخ را بنویسند. هنوز رسائل خطی از دوران مشروطه وجود دارد که چاپ نشده شاید به توان گفت جریان مذهبی تنها ۱۰ درصد تاریخ را نوشته است و آنچه که به نام تاریخ توسط جریان فراماسونری و عوامل غرب نوشته شده خلاً جامعه را پر کرده یا حافظه جامعه را به انحراف کشانده است.

مثلاً اگر یک جوانی خاطرات سر پرسی سایکس - رئیس پلیس جنوب- را مطالعه کند که در آنجا نوشته است: سید لاری در جنوب شرارت می‌کرد و ما توانستیم او را از بین ببریم! وقتی آن جوان نام «سید لاری» را می‌خواند؛ تازه اگر کمی هم تاریخ را بفهمد، با خود می‌گوید پس سید عبدالحسین لاری این‌گونه بوده است! یعنی طبق معیارهای یک انگلیسی از عالم دینی ما شناخت پیدا می‌کند. حال شما ببینید کسی که معتقد به ولایت فقیه بوده و در منطقه اعمال ولایت می‌کرده است و یک جریان سالم اسلامی را به راه انداخته را چگونه معرفی می‌کنند. همین هم بود که یهودی‌هایی که وابسته به تشکیلات صهیونیست بودند وقتی ایشان به سفر مکه مشرف می‌شوند، در دوره مظفری جریان سازی می‌کنند که ایشان بین شیعه و سنی اختلاف انداخته و این را به تهران هم گزارش می‌کنند.

مظفرالدین شاه هم دستور می‌دهد که ایشان را به مملکت راه ندهند. به همین دلیل اعتراض مردم و علما شروع می‌شود و ایشان به ایران برمی‌گردند و گروه‌های مبلغ مسیحیت که در حقیقت پیش‌قراولان استعمار بودند را در منطقه راه نمی‌دهند. آنها از جنوب کشور حجم عظیمی کتاب و جزوه تیشیری وارد کرده بودند که آقای لاری می‌گویند در این کتب چون اسم خدا و آیات الهی وجود دارد، همه آنها را دفن کنید. خب چقدر باید روی این شخصیت کار کرد؟

زیاد از بحث دور نشویم. پس سید جمال در مکتب چنین بزرگانی رشد کرده است. ما هم برای پی بردن به شخصیت افراد باید از کل به جزء بیایم. بعضی از محققان ما اشتباه می‌کنند و از جزء به کل می‌آیند، به خصوص اینکه ابتدا و انتها به وصل است. حالا امکان دارد ابهاماتی به وجود بیاید که آن را در آسیب شناسی مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

موضوع بعدی اینکه سید جمال الدین اسدآبادی یک عالم مبارز خستگی‌ناپذیر بود. روحانی‌ای که بنا بر تشخیص خودش معضل جامعه را در چهار چیز می‌دانست. ۱- وجود استبداد ۲- استعمار ۳- تفرقه ۴- عدم آگاهی و علم نسبت به نیاز زمان.

از همین روی سید جمال وارد مبارزه شد و کار خود را از همین نقطه آغاز کرد. این کار سید هم منحصر به یک کشور نشد. یعنی هرجا احساس می‌کرد وجودش لازم است وارد می‌شد. او مدت‌ها در مصر بود و تحول عظیمی را در آنجا بوجود آورد. در استانبول، افغانستان، هند و ... فعالیت کرد. در حقیقت باید او را یک مصلح جهان اسلام دانست که به یک کشور محدود نشد و هر جا هم که رفت، حرکت و تحول و اثری برجای گذاشت. و با قاطعیت می‌توان گفت که نهضت بیداری جهان اسلام در گرو شخصیت سید است. اولین شخصیتی که در جهان اسلام یک حرکت و جنبش را پایه‌گذاری کرد او بود. به تعبیر شهید مطهری، سیرسلسله جنبش اصلاح‌گری در جهان

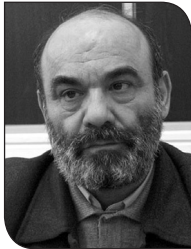
اسلام سید جمال است. چه در هندوستان که در چنگال استعمار انگلیس بود، چه در افغانستان که انگلستان توطئه می‌کرد و چه در حکومت عثمانی.

سید یک نویسنده، محقق و اهل قلم بود که هم به تفسیر قرآن و هم به مسائل سیاسی روز می‌پرداخت. سید یک متفکر است که نظریه‌پردازی می‌کند. یک شخصیتی است که هر جا می‌رود مخاطبان خود را می‌شناسد.

اما برای شناخت بهتر سید باید وضعیت آن روز دنیا، خصوصاً جهان اسلام و به طور خاص‌تر ایران را بشناسیم. در آن زمان دو استعمار یا دوا بر قدرت بر کشورهای اسلامی سلطه داشتند. یکی روس و دیگری انگلیس. روس به دلیل وضعیت جغرافیایی و احیاناً سیاسی محدودتر بود ولی انگلستان به عنوان یک استعمارگر متجاوز متعدی حیل‌گر مطرح بود. عمدتاً در کلام شخصیت‌های ما از انگلستان به عنوان رویه‌ها تعبیر می‌شود چون هر جایی با شکل خاصی وارد می‌شود. انگلستان آن موقع در استعمارگری چنین مدعی بود که آفتاب در سرزمین انگلیس غروب نمی‌کند، چون بر شرق و غرب جهان سیطره داشت. جنایت، خیانت و آدم‌کشی در کارنامه سیاه او فراوان است. و به قول اقبال لاهوری: حرکت استعماری انگلیسی‌ها از مغول‌ها بدتر بود. ما متأسفانه انگلستان را خوب نشناخته‌ایم. اگرچه امروز امریکا جنایاتی می‌کند که انگلیس مشاور، دنباله‌رو یا پیرو آمریکاست. انگلیس این سلطه را در ایران و افغانستان داشت اگر مستقیم عمل نمی‌کرد اما عوامل زیادی در ایران داشت. همه هندوستان را به کام خودش گرفته بود. از سوی دیگر حکومت عثمانی هم به دلیل بی‌لیاقتی سلطان و برخی حکام ولایات در حال سست شدن بود. البته بخشی از این سستی هم توطئه استعمار است. اما از آنجا که ما به اوضاع ایران کار داریم، بیشتر در همین مورد صحبت می‌کنیم. یکی از موارد آن روز استبداد شاه بود. ناصرالدین شاه از جمله شاهان متکبر، مستبد، قاتل، فاجر، غاصب و... بود. مسئله بعدی وجود دولتمردان وابسته به روس و انگلیس بودند که بقای سلطه خود را به این می‌دانستند. شخصیت‌های بزرگی که مثل امیرکبیر در راه استقلال ایران حرکت می‌کردند هم به شهادت رسیدند و یا افرادی مانند علماء تأمین جانی نداشتند زیرا در دوران ناصرالدین شاه علمای زیادی داریم که تبعید شدند. این هم از مسائلی است که در تاریخ به آن پرداخته نشده است. سفاکی، ظلم و ستم شاه نهایت نداشت. هرجا که احساس می‌کرد، دستور تبعید می‌داد. وضعیت بهداشت و اقتصاد جامعه هم ناھنجار بود. حکام ولایات به مردم ظلم و ستم و تعدی می‌کردند. با اینکه مثلاً اصفهان به لحاظ قدرت علمی و جایگاه بالا بود اما انواع و اقسام ظلم و ستم توسط حکام آنجا- ظل السلطان - نسبت به علما و مردم اعمال می‌شد.

برخلاف آنچه القا می‌کند که رابطه علما با دربار خوب بود، در واقع وضع چنین نبوده. در این دوره استعمار علاوه بر اینها، تشکیلات موازی هم درست می‌کرد مانند انجمن اخوت. این انجمن متعلق به ظهیرالدوله داماد ناصرالدین شاه است. تشکیلاتی به ظاهر درویشی‌گری و صوفی‌گری و به باطن فراماسونری که تا زمان فروپاشی پهلوی وجود داشت. اگرچه افرادی از دولتمردان ماسون بودند، میرزاملک‌خان با موافقت شاه تشکیلات فراماسونری درست می‌کنند.

سه دسته وارد این تشکیلات می‌شوند یک دسته دوله‌ها، سلطه‌ها و درباری‌ها که برای تافخر وارد فراماسونری می‌شدند. دوم عده‌ای از طیف جوان تر و جویای علم، دانش و اندیشه که فکر می‌کنند فراماسونری یک حزب سیاسی فکری است و برای ترقی و تعالی مملکت است. دسته سوم هم عوامل جاسوس و استعمار بودند. این تشکیلات شروع به ارائه نشریاتی می‌کند که ما باید آدم شویم. راه ترقی آدم شدن است. غربی‌ها این قدر ترقی کردند به این دلایل مایلند از آنها تقلید کنیم. حتی در جایی ملکم‌خان می‌گوید: اگر ما بخوایم آدم شویم باید ۲۰۰ سال اختیاراتمان را به انگلیس بدهیم!



حتی قبل از اینکه تقی‌زاده بگوید: باید از موی سر تا ناخن پا غربی شویم.

این تشکیلات در سه جهت کار می‌کنند. ۱- مبان‌ی فرهنگی و فکری می‌دهد، تحت اومانیسیم و برابری و برادری و آزادی ۲- نیروسازی می‌کند.

۳- تشکلی قوی بوجود می‌آورد.

شاه هم نفهم و بی‌لیاقت بود. به همین دلیل ملا علی کنی نامه‌ای به شاه می‌نویسد که این نامه مهم است. در آنجا می‌گوید: «تشکیلاتی که درست شده و صحبت ترقی و کمال انسان می‌کند، مگر در دین حضرت ختمی مرتبت اشکالی وجود دارد که ما از غرب پیروی کنیم؟ آزادی که اینها می‌گویند، آزادی از دین است. مگر در دین آزادی وجود ندارد؟ دوم بحث برابری را مطرح می‌کند، تو قانون اسلام را عمل کن ببینم عدالت در این مملکت عمل نمی‌شود؟ مطالبی که این درست کرده، هم برای سلطنت تو و هم برای دین خطرآفرین است. اگر تو نگران مملکت نیستی، من نگران دینم هستم».

همین ملاعلی کنی که مبارزه می‌کند در کتاب‌های تاریخی به عنوان یک مالک و ظالم و ضد آزادی مطرح می‌شود. حرف ایشان در مورد حقوق اجتماعی کاملاً روشن است. وقتی قرارداد رویتز توسط ملکم خان منعقد شد، نامه مفصلی ملا علی به ناصرالدین شاه داد (دکتر رجبی در کتاب علمای شیعه این نامه را چاپ کرده) که این قرارداد، سلطه اجنبی برای مملکت اسلام می‌آورد.

ببینید نطق این عالم بسیار عمیق است. آنجا که می‌گوید: انگلستان با خرید یک ساختمان به نام شرکت هند شرقی بر تمام هندوستان مسلط شد و همه را تحت سلطه خودش در آورد تو با این قرارداد که آب‌ها، جنگ‌ها، راه‌ها، منابع و مخازن زیرزمینی را بدست اجنبی دادی، نگران نیستی که مملکت از بین برود؟

وضعیت حکومت این‌گونه است. در دوره ناصرالدین شاه قراردادهای سنگین استعماری بسته می‌شد. بعد مسئله قرارداد تنباکو بوجود می‌آید که سید جمال الدین اسدآبادی نامه‌ای به میرزای شیرازی می‌نویسد که تو عالم بزرگ جهان اسلام هستی، اختیارات مسلمین در ید توست. محبوب مسلمین و حافظ دین خاتم‌الانبیا هستی و از سلاله پاک ائمه اطهار هستی. (نگاه کنید که سید از کدام منظر با مرجع تقلید صحبت می‌کند) و این شاه ظالم، فاسد، فاجر و فاسق مملکت را از بین می‌برد. (رجوع کنید به کتاب «روزنامه‌ها و اسناد سیاسی سید جمال الدین»)

پس مشوق میرزای شیرازی در قضیه تنباکو، سید جمال‌الدین اسدآبادی بوده است؟

تا حدی بله. اینجا لازم است دو نکته بگوییم تا در بحثمان افراط و تفریط نکرده باشیم. یکی اینکه مرجع تقلید که می‌خواهد حکم کند باید به یک منطق قوی برسد. تحریک و ترغیب و احساساتی کردن را نباید در جایگاه مرجعیت مطرح کرد. اما باید ادله و براهین موثق و مستندی را ارائه داد تا وظیفه‌اش که دادن حکم است را انجام بدهد. چون حکمی که می‌کند حکم شرع است و بر همه واجب است که اطاعت کنند حتی بر دیگر مراجع تقلید، حتی بر زن و مرد عدم توجه به حکم گناه کبیره است. ناصرالدین شاه آیت‌الله فال اسیری را به شکل بسیار بدی از ایران بیرون می‌کند. ایشان از علمای بزرگ شیراز است. او خدمت سید می‌رود و جریان را تعریف می‌کند و سید هم نامه را می‌نویسد.

از سوی دیگر مرحوم میرزا محمد حسین غروی نائینی، صاحب کتاب «تنبيه الامه»، از دوستان و یا هم‌دوره‌های سید جمال است و مکاتبات زیادی هم گویا بین ایشان و سید جمال هست که بعضی از آنها چاپ نشده و در عراق است. نامه را از طریق ایشان به میرزا می‌دهند. البته بعضی‌ها افسانه‌بافی کردند که میرزا سید را راه نداد که ما سند اینها را نداریم. آنچه که می‌نویسند نه در شأن سید جمال است و نه در شأن میرزا... اما اینکه ملاقات صورت نگرفته، بله هست و اینکه میرزای شیرازی تشخیص داده که باید این کار را انجام دهد. مضافاً نماینده اول میرزا

نقش سید جمال الدین اسدآبادی در جهان اسلام

در تهران، میرزا حسن آشتیانی است.

***پیدایش جریانات استعماری**

موضوع بعدی پیدایش جریانات استعماری بابیه، ازلیه و بهائیت است. البته استعمار انگلیس برای سلطه بیشتر به کشورهای اسلامی شروع به جریان سازی کرد. از یک طرف تشکیلات فراماسونری، از طرف دیگر حزب و گروه درست کردند. در عربستان وهابیت، در پاکستان و هندوستان، قادیانیه را درست کرد در اینجا هم دوره ناصرالدین شاه، اوج فعالیت بابی‌ها و بهایی‌ها و ازلی‌ها بود. بخصوص که بین اینها انشعابی رخ داد. گروه یحیی صبح ازل و میرزا حسین علی بها، تبدیل به دو فرقه شدند که انگلیس هر دوی اینها را نگه داشت. اگر چه به بهائیت سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کرد. بعد هم که امریکایی‌ها وارد شدند... ولی بالاخره اینها در دوره ناصری فعال بودند و فتنه‌هایی که بوجود آوردند و درگیری‌ها و اختلافات طوری بود که جامعه مرتب در تشنج به سر می‌برد.

درویشی‌گری و لاابالی‌گری در این دوره گسترش یافت. در این دوره مرتب فرقه و قطب مانند اویسیه، گنابادیه و... پیدا می‌شد. معلوم بود پشت این کار، مدیریت وجود دارد. یک طرف غرور و خودخواهی بود اما آن در حد یک محله یا ۵-۴ نفر بود نه اینکه در سطح مملکت گسترش پیدا کند که یک مرتبه می‌دیدید در گناباد صدای یکی در کرمانشاه شنیده می‌شود. یکی از مازندران در بندرعباس شنیده می‌شود؛ آن هم با وسایل ارتباط جمعی محدود آن دوران.

موضوع دیگر رشد و گسترش غرب‌زدگی و غرب‌گرایی بود و اینکه نسخه نهایی ترقی ما غرب است. علاوه بر جریان فراماسونری، عده‌ای مانند طالبوف که مقداری هم مذهبی بودند، راه حل را علوم تجربی مطرح کرد که در کتاب وصیت به پسرش گسترش علم غربی را مطرح می‌کند. یا مثل آخوندزاده که فراماسون هم بوده و مروج غرب‌گرایی است. غیر از قضیه باستان‌گرایی که از زمان فتحعلی شاه توسط سرجان ملکم شروع شد و تاریخ ایران نوشته شد.

آیا فراماسونری با این ابعاد مطرح بود که هر کس می‌خواهد رشد جامعه را ببیند و در جامعه مطرح باشد به فراماسونری می‌پیوسته و بعدها فهمیدند این جریان نفوذ استعماری است و از آن جدا شدند یا از ابتدا مشخص بود چه می‌گوید؟

قبلاً هم گفتیم که سه دسته در تشکیلات فراماسونری هستند. آنها که برای تافخر رفتند در فراماسونری ماندند. فرصت‌طلبان که به خاطر مقام رفتند ادامه دادند. دسته وسطی که فکر کردند که آنجا علم و حرف‌های جدید مطرح است اگر بیرون آمدند، تفکرشان ماند. فراماسونری یک ایدئولوژی دارد و یک تشکیلات، ایدئولوژی‌ش هنوز هم در ذهن بعضی‌ها هست. بحث اومانیسیم ریشه آن دارد. وقتی بحث آزادی از مذهب مطرح می‌شود، نتیجه‌اش می‌شود، لاابالی‌گری، فساد، فحشاء، انحراف، انحطاط. ممکن است فساد اخلاقی نباشد بلکه بیرون آمدن از تعبد الهی باشد.

در دوران عقب‌ماندگی زمان ناصرالدین شاه یک خلئی وجود داشت که اینها رشد می‌کردند. این را به عنوان واقعیت اجتماعی، نه حقیقت باید پذیرفت. در جامعه خلئی وجود دارد که نیاز به تحول جدید است. فراماسون‌ها این خلأ را پر می‌کردند. بحث اومانیسیم و اصالت انسان و دوری از تعصب و تسامح برای یک عده یک حرف بود. فراماسونری تقید و تعصب را از بین برد که برای یک عده حرف نو بود. چه بسا یک عده آن را نمی‌فهمیدند. مگر اصل اومانیسیم که شانیت و جایگاه انسان را می‌پردازد بد است؟ مثل مرحوم بازرگان که از روی بی‌توجهی نامه‌ای به آیت‌الله صدوقی می‌نویسد و در آنجا می‌گوید که ما طرفدار اسلام اومانستی هستیم و شما طرفدار اسلام فقهاتی هستید! چه بسا مهندس بازرگان متوجه حرفش نباشد اما اومانستی یک مکتب و ایدئولوژی است. هر کلمه یک بار فکری- فرهنگی دارد. وقتی شما گفتید من دمکراتیک اسلامی می‌خواهم، این کلمه دمکراتیک متعلق به مکتب

دیگری است. مثل این است که بگوید من مسیحی مسلمان هستم؛ شدنی نیست.

در طرف دیگر نهضت‌های دینی هم داشتیم اما استبداد و جو جامعه اجازه رشد به آنها نمی‌داد. نهضت ضد استعمار و ضد استبدادی که ملا علی کنی شروع کرد. اما این در جامعه فراگیر نشد، به دلیل قدرت استبدادی ناصرالدین شاه. امروز باید روش و سیره ملاحظه‌کنی را مطرح کنیم. دو بیانیه‌ای که گفتم دو نمونه از کار این آدم است، موارد زیادی دارد که باید به آن پرداخته شود. همان دو نامه هم مهم است. یک رویارویی را بوجود آورد. باید نهضت تنباکو را مطرح کنیم که سید در همین دوره وجود دارد اگرچه در ایران نیست و او را اخرج کردند. نامه می‌دهد و دفاع می‌کند که مفاهیم بسیار عالی دارد که هم در شأن یک عالم مذهبی است و هم در شأن میرزای شیرازی به عنوان یک مرجع است که به آن تاسی کند. نهضت علمی در اصفهان است مثل میرزا جهانگیرخان قشقایی که یک فیلسوف، عارف، مفسر نهج‌البلاغه، اندیشمند و مدرس بزرگ و نیز ملا محمد کاشی از علمای برجسته حوزه علمیه اصفهان در آن دوران یک حوزه برجسته است.

نهضت علمی در حوزه علمیه نجف بعد از جریان اخباری‌گری مربوط به همین دوران است. که مرحوم وحید بهبهانی با این اخباری‌گری مقابله کرد و شیخ انصاری استمرار حرکت بهبهانی را انجام داده است. مالاحسینقلی همدانی هم توانست مبانی عرفان و فلسفه اسلامی را در متن جامعه مذهبی بیاورد.

*وضعیت جهان اسلام

در جهان اسلام باید اوضاع مصر را بررسی کنیم با توجه به اینکه به امپراتوری عثمانی وابسته بود انگلیس‌ها در آنجا شیطنت می‌کردند اما از نظر فکری سیاسی جلوتر از ایران بود. دوم وضع افغانستان بود که انگلیس‌ها در آنجا مسلط بودند اما به دلیل ساختار عشایری نمی‌توانستند کاملاً نفوذ کنند مقاومت‌ها وجود داشت. سید ۱۳ سال در آنجا می‌ماند. تحول و تغییری بوجود می‌آمد که ما اطلاعات زیادی از آن نداریم. و به دلیل همین اقامت بلند مدت، برادران افغانی، سید را اسدآبادی می‌دانند در حالی که در اصل او اهل اسدآباد همدان است. آن دوره به دلیل اختلافاتی که انگلیسی‌ها بین شیعه و سنی و تشست‌ها بوجود آورده بودند، سید تلاش می‌کرد هویت وطنی خود را مخفی نگه دارد. مثلاً گاهی با نام جمال‌الدین کابلی امضا می‌کرد. سید ۱۶ اسم مستعار داشت که در کتاب «دفاع از سید جمال‌الدین» آقای سید هادی خسروشاهی آمده است. شیخ جمال‌الدین، جمال‌الدین افغانی، سید جمال‌الدین حسینی و ... از این قبیل‌اند.

سید ۱۰ سال در مصر ماند و در دانشگاه الازهر تغییر و تحولی بوجود آورد که تحولات بعدی فکری مصر مرهون سید است. او به هندوستان رفته و مجله تعلیم و تربیت را منتشر می‌کند و در این مجله به مسائل اسلامی می‌پردازد. آنجا علاوه بر سلطه انگلیس، سید احمد خان هندی وجود داشت که عالم بزرگی بود اما تحت تاثیر انگلیسی‌ها قرار می‌گیرد. در دوره‌ای که مسلمانان مشغول مبارزه علیه استعمار بودند او می‌گوید مبارزه فایده ندارد باید تحول فرهنگی بوجود آوریم. او با نفی مبارزه علیه انگلیس فعالیت‌های فرهنگی شروع می‌کند که مدرسه «علی‌گر» را ایجاد می‌کند که اکنون با کمک انگلستان تبدیل به دانشگاه شده. ایشان دیداری از لندن داشت که تحت تاثیر انگلیسی‌ها شروع به تفسیر مادی قرآن می‌کند. سه جلد آن به فارسی ترجمه شد و به دلیل محتوا ادامه پیدا نکرد. سید جمال با این آدم درگیر می‌شود و رساله به نام نیچریه می‌دهد یعنی مادی‌گری و طبیعت‌گرایی. آنجا می‌گوید آنچه که شما ارائه کردید مادی‌گری از قرآن را ارائه می‌دهد و برخلاف قرآن است. در اینجا باید شخصیت سید را شناخت که چگونه نسبت به انحرافات حساسیت به خرج می‌داده است. این درگیری شدید می‌شود که بعدها اقبال لاهوری نامه‌ای به سید احمدخان می‌نویسد و به حرکت استعماری‌اش اشاره می‌کند.

سید سه بار به ایران دعوت می‌شود. که توسط شاه اخراج می‌شود و در فرانسه همراه شیخ محمد عبده – از علمای بزرگ مصر – که در حقیقت شاگرد سید جمال بوده. بعد از سید جمال مفتی اعظم مصر می‌شود که

می‌توان به آن پرداخت. آنجا روزنامه عروه الوثقی را منتشر می‌کند. آن موقع ما روزنامه‌هایی علیه اسلام و دفاع از غرب داشتیم. اما این تنها روزنامه‌ای است که مدافع اسلام و قرآن و دین به زبان عربی است. این روزنامه جایگاه وسیعی پیدا می‌کند و وقتی وارد ایران می‌شد مخفیانه دست به دست می‌گشت. حتی روزنامه «اطلاع» را در کتابخانه مجلس دیدم که دو مقاله از آن روزنامه منتشر کرده که ناصرالدین شاه مطلع می‌شود و از چاپ آن جلوگیری می‌کند. بعدها هم مقالاتی از عروه الوثقی را ترجمه می‌کند اما اسمی از سید نمی‌برد. این مجله در کشورهای اسلامی بسیار مؤثر بود. غربی‌ها و انگلیس احساس خطر می‌کنند و مانع از ادامه این روزنامه می‌شوند. مقالات عروه الوثقی هنوز حرف نو دارد و عمق و جامعیت سید را نشان می‌دهد. بعضی مقالات را هم شیخ محمد عبده می‌نویسد.

وقتی عروه‌الوثقی در پاریس توقیف می‌شود ایشان روزنامه ضیاءالخوافین را از لندن می‌نویسد و منتشر می‌کند. انگلیسی‌ها آن را هم توقیف می‌کنند. چند کتاب منتشر می‌کند. در ارتباط با اوضاع جامعه در ایران و دیگر جاها نامه‌ها و اعلامیه‌هایی ارائه می‌دهد. این بیانیه‌ها و نامه‌های سید به علما و شخصیت‌ها مثل اعلامیه‌های قبل از انقلاب که در بیداری جامعه تاثیر داشت، دست به دست می‌گشت. سید در مسائل فکری بر دین و سیاست تکیه داشت. به عنوان یک عالم هم در چارچوب دین صحبت می‌کرد و هم توجه به سیاستی داشت که با استبداد و استعمار تقابل داشته باشد. مبانی فلسفی سید قابل توجه است، بخصوص که در مکتب میرزا حسینقلی درس خوانده. برخی نوشته‌ها و آثارش را از لحاظ فلسفی برجسته می‌دانند و به مبانی عرفانی‌اش اشاره شد. او روی احیای قرآن و اسلام اصرار دارد و آن را راه‌حل در مقابله با فرهنگ غرب و استبداد شاهنشاهی می‌دانند. در زمینه توجه به مبانی قرآنی در بیانیه‌ها و مقالات عروه‌الوثقی اشاراتی دارد. احیای فرهنگ و تمدن اسلامی را مطرح می‌کند که مسلمان‌ها در برابر غرب، خود باخته نشوند و احساس ذلت نکنند. حرکتی که سید پدید آورد یک روح دینی و اسلامی در برابر جریان غرب‌زدگی بود که منحصر به ایران هم نبود. در اواخر دوره ناصرالدین شاه از اواخر ۱۳۰۶ در استانبول بحث هیئت اتحاد اسلام را مطرح می‌کند. بعدها هم کمونیست‌ها و هم خارجی‌ها برای خدشه‌دار کردن، می‌گویند این توطئه‌ای بود که می‌خواست امپراتور عثمانی باقی بماند. اما سید در این هیئت از خلافت کسی حرف نمی‌زند. اگرچه در آن دوره امپراتوری اسلام در برابر غرب یک قدرت بود. اگرچه در درونش مشکلاتی داشتیم اما وحدتی در جهان اسلام وجود داشت.

هیئت اتحاد اسلام تا زمانی که رضاخان هنوز مسلط نشده بود، به عنوان یک جریان خوب وجود داشت. حتی نهضت جنگل ابتدا با این هیئت شروع شد. یا خود شهید مدرس و علمای تهران، هیئت اتحاد اسلام داشتند. این موضوع به عنوان یک جریان اسلامی قابل تحلیل است.

*ناسیونالیسم

مسئله دیگر آن زمان ناسیونالیسم بود که انگلیسی‌ها راه انداختند. ناسیونالیسم با وطن دوستی فرق دارد. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است و نتیجه ناسیونالیست به یان تورکیسم، پان کردیسم، پان عربیسم و ... می‌انجامد. سید با این اندیشه مبارزه می‌کرد و می‌گفت این هم شرک است و هم جامعه اسلامی را از بین می‌برد. منادی‌هایش در ایران آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی و امثال اینها بودند. در عثمانی، دیاگوگالب نظریه‌پرداز پان ترکی بود که بعدها حکومت مصطفی کمال روی کار می‌آید و بر مبانی اندیشه بود.

*ترور ناصرالدین شاه

آخرین حرکتی که در مورد سید جمال مطرح است، ترور ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی بود. او از شاگردان سید بود و همین امر منجر به شهادت سید شد. چون دولت ایران درخواست کرد سید را به ایران برگرداند. دولت عثمانی قبول نکرد ولی گویا با دسیسه خود انگلیسی‌ها سید مسموم شد و به شهادت رسید.

*آسیب شناسی جریان

سیدجمال الدین اسد آبادی

ما باید دو موضوع را در نظر بگیریم یکی آسیب‌شناسی حرکت سید است بالاخره هر حرکت آسیب‌هایی دارد.

این آسیب‌شناسی به معنای نفی نیست چون اگر ما آن موقع هم بودیم همان کار را انجام می‌دادیم اما الان بعد از گذشت بیش از صد سال به کارها و فعالیت امثال سید نگاه می‌کنیم. خب امکان دارد که انسان در زندگی‌اش دچار اشتباهات و ایراداتی باشد. خب فعالیت‌های سید هم بدون آسیب نیست.

اولین آسیب این حرکت، پراکندگی است اگر در جایی متمرکز می‌شد نتایج بهتری داشت. دوم عدم پیوند مستمر سید با حوزه علمیه است. ما این مشکل را با علمای بعدی هم داشتیم که وقتی سمت سیاست می‌رفتند ارتباطشان را با مجموعه حوزه قطع می‌کردند. مسئله سوم نوع فعالیت سید بود. او در ابتدا بود فکر می‌کرد با نصیحت و اصلاح سلاطین مشکل جهان اسلام حل می‌شود. لذا خودش هم در اواخر عمر به همین اعتراف کرد و شروع به نصیحت سلاطین کرد. خودش هم می‌گوید اگر تخمی که در شوره‌زار سلاطین پاشیدم را در متن جامعه می‌پاشیدم چقدر مؤثر بود. یا شاگردش شیخ محمد عبده می‌گوید: سید از سلاطین شروع کرد و به ثمر نرسید، من از مردم شروع می‌کنم. او مفتی اعظم مصر می‌شود و شروع به تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه می‌کند. او اهل سنت است اما تحت تاثیر سید شرح نهج‌البلاغه را می‌نویسد.

مسئله چهارم در مظان اتهام فرماسونری قرار گرفتن است. سید وقتی در مصر بود تقاضای عضویت در تشکیلات فرماسونری شرق را می‌دهد که پذیرفته هم می‌شود و وارد می‌شود. سید چون مستقل فکر می‌کرد، می‌خواست که آنجا را تغییر دهد. بخصوص که این لژ فرانسوی هم بود. بین انگلیس و فرانسه رقابت‌هایی است که می‌شود از آن سود برد. احتمال دوم این است که رفته ببیند در فرماسونری چه موضوعاتی مطرح می‌شود که با آنها مبارزه کند. احتمال سوم این است که اشتباه کرده. البته هر سه به اشتباه می‌انجامد چون شخصیت بزرگ نباید در مظان اتهام قرار بگیرد. دستور است که مؤمن باید از قرار گرفتن در موضع اتهام پرهیز کند. به هر صورت ایشان به آنجا می‌رود و مدت کوتاهی می‌ماند و اخراج می‌شود. آن هم به دلیل ایراد سخنرانی علیه انگلیس و تعصب به دین و مبارزه علیه استعمار که با مبانی و تشکیلات فرماسونری نمی‌خواند. آقای صدر واثقی در کتاب نهضت سید جمال‌الدین حسینی به خوبی به این موضوع پرداخته و بر اساس اسناد لژ فرماسونری قاهره و آن دوران تحقیق بسیار خوبی کرده. در سال ۵۰ برای پی بردن به اسناد این موضوع به قاهره رفته بود.

* در غرب اسلام دیدم اما مسلمان ندیدم

ما داریم که نظم از ویژگی مسلمان است. رعایت حقوق دیگران از ویژگی مسلمان است. هرجا که اینها دیده شد و نشانه‌هایی از اسلام هست. پراکندگی و اختلاف به قول امام از جنود شیطان است. وقتی یک جوان به غرب می‌رود و این نشانه‌ها را که می‌بیند تشخیص می‌دهد که رفتارهای اسلامی در حال اجراست. سید جمال این نشانه‌ها را گفته اما اینکه در غرب اسلام را دیدم و مسلمان ندیدم، در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های او دیده نمی‌شود بلکه از قول محمد عبده نقل شده است. او عوامل ترقی غرب را علم، مبارزه با ظلم و ستم، رعایت حقوق مردم، اجرای قانون و... را مطرح می‌کند.

مسئله بعدی از آفات، بعضی از اطرافیان سید هستند که بعضی‌ها معتقد هستند که آنها بعد از سید تغییر رویه داده اند مانند میرزا آقا خان کرمانی که بابی و ازلی بوده و داماد یحیی صبح ازل که یک دوره باستان‌گرای و یک دوره غرب‌گرایی داشته است. البته آقای صدر واثقی می‌گوید که او اواخر داشت به اسلام می‌پیوست و کتابی در وصف پیغمبر می‌نوشت که نیمه کاره ماند. شیخ احمد روحی، باجناق میرزا آقا خان و داماد یحیی صبح ازل بوده. برخی افرادی که او با آنها ارتباط داشت در مضن اتهام بودند. سید نگاه سیاسی برجسته‌ای داشت که متوجه نبود این حرکتش او را در مظان اتهام قرار می‌دهد که الان برخی به آن استناد می‌کنند. ما این آفات را در نهضت جنگل هم داریم اگر میرزا کوچک‌خان را هم با حفظ بزرگی و عظمتش بررسی کنیم همین است. موضوع پایدانی این است که عدم فرصت تکوین مبانی فکری سید است که اگر فرصتی می‌کرد به تدوین و تبیین آن می‌پرداخت بهتر بود. البته این هم هست که

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی

◀ شماره ۲

◀ شماره مسلسل ۱۵۲۰

◀ نیمه دوم فروردین ۱۳۹۵

پست الکترونیک: besatonline@gmail.com

ایشان هرجا می‌رفت چمدانی از نوشته‌ها و کتاب داشت که گویا این چمدان در ایران به سرقت رفته بود. شاید نوشته‌هایی داشته باشد. اما امروز یکی از راه‌های شناخت سید، شناخت دوستان و دشمنان سید است. شهرت سید در جهان و کشورهای اسلامی بیشتر از ایران است و کتاب بیشتر نوشته شده. در ایران مثلاً شاید حدود نزدیک به ۸۰ عنوان کتاب درباره سید نوشته شده باشد که ۱۱ کتاب علیه سید است. ۶۰ و خرده‌ای کتاب به دفاع سید است.

افرادی که علیه سید مطلب نوشته‌اند مانند فریدون آدمیت که پدرش فراماسون و خودش آدمی مادی بود یا اسماعیل رائین که مرتبط با ساواک همکاری می‌کرد و معلوم بود با هدایت ساواک علیه سید مطلب نوشته است. یا مثلاً تقی‌زاده هم کتابی نوشته که طبق معمول شیطنت کرده است. شخصیت سید را در یک ابهام و هاله‌ای از سؤالات مطرح کرده که از جمله می‌توان به این اشاره کرد که در آنجا گفته سید ختنه نشده بود! دکتر شریعتی در این زمینه به شوخی می‌گفتند که آقای تقی زاده در این امور کارشناس هستند. در حالیکه او، سید است و پدرش از علمای همدان است.

تیپ‌های کمونیست عموماً علیه سیدی می‌نویسند چون او مبلغ اسلام بود. تیپ‌های شاهنشاهی علیه سید می‌نویسند چون او مدافع اسلام و علیه سلاطین بود. عوامل غرب به خصوص انگلیسی‌ها علیه او مطلب می‌نوشتند. یا به یکی از فلاسفه فرانسه که مناظره‌ای در بحث اسلام و علم با سید دارد. سید جواب او را می‌دهد. این مناظره جایگاه فلسفی و علمی سید را هم نشان می‌دهد.

البته بعضی از مذهبی‌ها به دلیل عدم مطالعه و فهم علیه سید صحبت‌هایی می‌کنند. اگر آنها کتاب نهضت‌های صد ساله اخیر شهید مطهری را بخواند به شخصیت سید پی می‌برند. بعضی از ما به دلیل نداشتن علم و سواد اشتباهات بزرگی می‌کنیم. برای شناخت سید باید موافقان و مخالفان او را شناخت مثل کواکبی از علمای بزرگ، از سادات ساکن سوریه کتاب‌های زیادی دارد که سید را درک کرده است. شیخ محمد عبده، شارح نهج‌البلاغه و مفسر قرآن، اقبال لاهوری چقدر در ستایش سید شعر گفته؟ شهید مطهری وقتی می‌خواهد در مورد انقلاب اسلامی صحبت کند می‌گوید سلسله جنبان نهضت اصلاح‌گری در جهان اسلام سید جمال‌الدین است. دکتر شریعتی همین‌طور، میرزا محمد حسین نائینی با مرحوم سید ابوالحسن جلوه از فلاسفه و عرفای دوره ناصری ارتباط داشته. یک جلسه به طور مفصل با سید صحبت می‌کند. میرزا ابوالحسن می‌گوید من اگر جلوه نبودم دوست داشتم سید جمال باشم چون فیلسوف و عارف بود. شخصیت خود را دوست دارد اما می‌گوید اگر این نمی‌بودم دوست داشتم آن باشم.

آقای خسروشاهی شاید حدود ۲۰ کتاب در مورد سید جمال دارد؛ موقعی که در مصر بود ۱۰ جلد را آنجا تدوین و چاپ کرد و کسی است که از سال‌های ۳۴ و ۳۵ تا به حال در مورد سید تحقیق می‌کند و می‌نویسد. استاد محیط طباطبایی تقریباً با یک واسطه نسل از سید نقل قول‌ها و کتاب‌هایی دارد. «نقش سید در بیداری شرق» کتاب تحقیقی او است و مقالاتی هم دارد. آقای صدر واثقی متخصص موضوع است.

اما مخالفین سید، بیشتر به دلیل اسلامیتش، مبارزه با غرب، مبارزه با استبداد، بوجود آوردن یک نهضت و بیداری اسلامی، علیه سید می‌نویسند. البته هنوز هم تحقیق پیرامون سید جمال باید ادامه داشته باشد. اخیراً آقای خسروشاهی بخشی خاص را در سایت مرکز بررسی‌های اسلامی برای سید جمال اختصاص داده است . چندین همایش متعارف بعد از انقلاب گذاشته شده اما حوزه و دانشگاه باید پایان‌نامه‌ها را به این سو سوق دهد تا ابعاد شخصیت سید مشخص شود. در تعاملی که دانشگاه‌های ما با هند و افغانستان و مصر و ترکیه دارند، باید بخواهند که اسناد را بیابند.

تجدیدنظر طلبی یا نواندیشی

محور فکری شیخ حسن ترابی در دایره نواندیشی دینی در واقع نوعی تجدیدنظر طلبی در مسائل اسلامی و تعامل با جامعه بر پایه درک واقعیت‌ها و اهمیت مسئله زمان و مکان در بررسی امور جاری و قانونی بود و روی همین اصل، او معتقد بود که باب اجتهاد بسته نیست و اجتهاد نمی‌تواند فقط در چهار ائمه مذاهب اهل سنت منحصر گردد، بلکه هر انسان عالم مسلمان و آگاه به زمان و مسلط بر اصول شریعت، می‌تواند درباره همه چیز اجتهاد داشته باشد و نوآوری کند و در همین رابطه، او به مسئله «عرف» که در فقه شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد، به مثابه یکی از منابع قانون گذاری تأکید می‌ورزید و مسئله «استصحاب» را هم یکی از منابع تشریع می‌شمرد.

ترابی معتقد بود که روش سنتی و قدیمی در استنباط احکام و قانون گذاری مورد نیاز برای اداره کشورهای اسلامی کافی نیست؛ زیرا که شرایط زمان ما با شرایط و نیازهای قرون پیشین یکسان نیست و اعتماد به آن روشها، دیگر برای عصر ما سازنده و کافی نیست و به همین دلیل یک تجدیدنظر کلی در اندیشه دینی ضروری است. ترابی فقه اهل سنت را به علت اجتناب و دوری عملی از اجتهاد، فقهی جامد و غیر پویا نامید و منحصر کردن درک دین یا میراث فقهی به سنت پیشینیان صالح را پاسخگوی نیازهای انسان عصر ما نمی‌دانست.

ترابی در همین رابطه طرح «علم اصول جدید» برای افتتاح باب اجتهاد پویا را پی‌ریزی کرد و در این راستا کتابی هم تحت عنوان: «تجدید اصول الفقه» منتشر ساخت و خواستار ایجاد تحول در میراث فقهی با توجه به عناصر ثابت - کتاب و سنت - متناسب با تفاوت‌های محیطی و فرهنگی و اجتماعی و مادی گردید.

البته در مورد اجتهاد، ترابی می‌گوید: منظور من از اجتهاد کردن به شیوه‌ای که در فروع دینی و مسائل فقهی مطرح است، نیست، بلکه مقصود من اینست که «شناخت» به دست آمده از ایمان مطلق به خداوند متعال، می‌تواند اجتهادی پاک، مبتنی بر آزادی‌های عمومی به وجود آورد و این یک تکلیف عام است و مردم، همگی باید در این زمینه کوشا بوده و مشارکت داشته باشند و بتوانند آراء و نظرات خود را برای اداره کشور و وضع قوانین جدید، برای «مسائل مستحدثه» آزادانه بیان کنند، یعنی در واقع «ما باید، برای تأمین منافع جامعه اجتهاد کنیم!». (به کتاب حرکت اسلامی در سودان، تألیف اینجانب، صفحه ۱۹۰، چاپ تهران، مراجعه شود).

ولی باید پذیرفت که ترابی در این مسیر، فتاوی خاص و شاذی! هم در زمینه‌های مختلف صادر کرد که مورد خشم علمای وهابی و بعضی از شیوخ سنتی الازهر قرار گرفت... مثلاً ترابی مدعی شد که زن و مرد از دیدگاه قرآنی یکسان هستند و خطاب‌های قرآنی به «ناس» - مردم - اعم از زن و مرد است و نوع خطاب‌ها با تعبیر: «الرجال» یا «النساء» در آیات قرآنی دیده نمی‌شود.

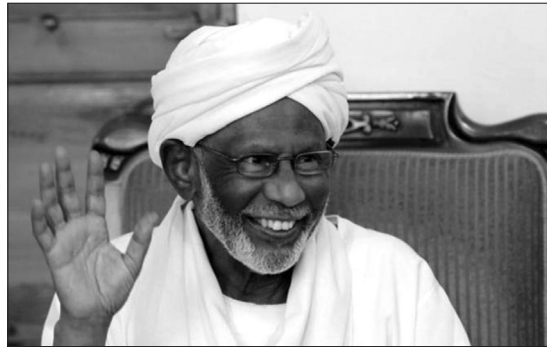
ترابی با مسئله «نقاب» به مثابه «حجاب» برخورد داشت و معتقد بود که پوششی به نام «نقاب» ویژه همسران پیامبر اکرم بوده و عمومیت ندارد. و استثناء باز ماندن «وجه و کفین» در ایام حج و در حال احرام، نشان می‌دهد که حجاب‌های موجود در بلاد عربی - آفریقایی و یا اسلامی، در واقع استفاده از نوعی لباس‌های محلی است و ربطی به حجاب در اسلام ندارد.

در رابطه با مسائل مربوط به زنان، ترابی تصریح کرد که شهادت یک زن آگاه و دانشمند، می‌تواند برتر از شهادت چهار مرد جاهل و غیرعالم، در امور قضائی محسوب شود!

او همچنین فتوی داد که زنان نیز می‌توانند «امام جماعت» باشند و در صورتی که «رشیده» باشند و خوفی

برای دین آنها نباشد، می‌توانند با «غیرمسلمان» - مثلاً مسیحیان - ازدواج کنند.

او همچنین مدعی شد که مسئله «رجم» در قرآن نیست و این حکم به عنوان کیفر «زنا» محصنه، در تورات آمده است و نه در قرآن و اگر در تاریخ یا حدیث، نقل شده که حد «رجم» در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جاری شده است، این حتماً قبل از نزول



حکم «زنا» بوده که آن هم فقط «جلد» است نه «رجم»... ترابی در انتقاد از فقه‌های اهل سنت، مدعی شد که معنی ندارد عده‌ای به عنوان مفتی و فقیه، بقیه مردم را از این مهم محروم بدارند، بلکه هر مسلمانی با تحصیل شرایط و مراتب، می‌تواند به این مقام برسد و ضرورتی ندارد که «فارغ التحصیل» جامعه «الازهر» یا الجامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة! باشد...

ترابی در جنجالی ترین دیدگاهش، گفت: کتاب‌های «السنن» در میان اهل سنت قابل تجدیدنظر هستند؛ زیرا که مثلاً «بخاری» دو هزار حدیث جمع کرده و فقط دو درصد آنها را «أخرج» نموده و مستند و صحیح نامیده و این به آن معنی است که بقیه احادیث آن ممکن است «غیرصحیح» باشد و قابل بررسی...

بعد از این بیان صریح و شکننده، ترابی که در معرض «تکفیر» از سوی «شیوخ» قرار گرفته بود در بیانیه‌ای گفت: آنچه که من تا حال، در زمینه‌های مختلف بیان کرده‌ام، فتوی نیست بلکه دیدگاه و نظریه است؛ و احتمال آن یکنون صحیحاً او خطاً و الانسان دائماً فی معرض الخطأ و النسیان... و بدین ترتیب حکم «تکفیر» را از خود دور کرد.

شاید یکی از دیدگاه‌های تجدیدنظر طلبانه شیخ در مسائل سیاسی مطرح که موجب انشعاب در سازمان اخوان شد، اقدام به اصطلاح «شاذ» وی در جریان سفر کادر رهبری اخوان سودان به مصر رخ داد و آن این بود که او از «بیعت» کردن با شیخ حسن الهضیبی، مرشد دوم پس از شهید حسن البنا، که در زندان بود، خودداری کرد ولی دیگران از جمله صادق عبدالله عبدالماجد بیعت خود را اعلام نمودند، ولی دکتر ترابی گفت: «با مرشدی که میسوط الید نیست و در زندان به سر می‌برد، چگونه می‌توان بیعت نمود. مرشد باید کسی باشد که بتواند از نزدیک شاهد امور و فعال باشد...»

او اصولاً معتقد بود که بیعت سازمان‌های اخوانی در جهان فقط با «مرشد مصری» مقیم «قاهره»، با اصول اسلامی سازگار نیست و مفهومی ندارد بلکه با حفظ اصول و وفاداری به مبانی فکری اخوانی، اخوان هر کشوری باید «مرشد» خاص خود را متصل با رهبری در قاهره، در درون آن کشور داشته باشد... که البته بعدها این ایده با اختصاص عنوان جدید «المراقب العام» برای رهبران سازمان‌های اخوانی در بلاد دیگر، پذیرفته شد و تحقق یافت ولی به هر حال همان عدم بیعت ترابی، باعث گردید که پس از مراجعت گروه به «خرطوم»، در عمل انشعابی در سازمان اخوان سودان رخ دهد و ترابی رهبری گروه اکثریت را به عهده بگیرد و گروه کوچکتر به رهبری شیخ صادق عبدالله عبدالماجد، به فعالیت خود ادامه دهد که البته تحت فشار حکومت زنرال‌های حاکم، فعالیت هیچ یک از آنها چشمگیر نبود ولی ترابی توانست با تغییر نام سازمان،

استاد سید هادی خسروشاهی

اکثریت جوانان را به سوی سازمان جدید جذب کند. یعنی ترابی، با تغییر ظاهر و حفظ اصول از آغاز چندین سازمان و حزب با نام‌های مختلف: اخوان المسلمین، جبهه میثاق اسلامی، جبهه قومی - اسلامی، و سرانجام: المؤتمر الشعبي العربی و الاسلامی، تشکیل داد و توانست در هر برهه‌ای به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه دهد تا اینکه سرانجام همانطور که اشاره شد، به علت اختلاف بنیادین و شدید با ژنرال بشیر، به زندان رفت و از صحنه سیاسی برکنار شد، تا اینکه در اسفندماه گذشته - ۱۳۹۴ - به دیار باقی شتافت...

البته ترابی برای نشر افکار و نظریات خود در زمینه‌های مختلف تجدیدنظر طلبی و یا نواندیشی دینی آثار و تألیفاتی دارد که هر کدام به نوبه خود، دارای نظریات و اندیشه‌های جدید اسلامی است. یعنی دکتر ترابی علاوه بر صدها سخنرانی و مقاله و مصاحبه، ده‌ها اثر و کتاب تألیفی نیز دارد که هر کدام در زمینه‌های خاص، ویژگی‌ها و نواندیشی‌های خود را دارد و مورد استفاده نخبگان و روشنفکران دنیای اسلام قرار گرفته و بعضی از آنها به زبان‌های مختلف ترجمه و چاپ شده است. از جمله آثار او است:

- ۱- التفسیر التوحیدی،
- ۲- الصلاة عماد الدین،
- ۳- تجدید الدین،
- ۴- تجدید اصول الفقه،
- ۵- منهجیة التشریع،
- ۶- الدین و الفن،
- ۷- قضا یا الوحدة و الحرية،
- ۸- المرأة بین تعالیم الدین و تقالید المجتمع،
- ۹- تجدید الفكر الاسلامی،
- ۱۰- الاشکال الناطمة لدولة اسلامیة معاصرة
- ۱۱- المصطلحات السیاسیة فی الاسلام،
- ۱۲- الحركة الاسلامیة و التحديث،
- ۱۳- الحركة الاسلامیة فی السودان،
- ۱۴- السیاسة و الحكم،
- ۱۵- الایمان و اثره فی الحیاة،
- ۱۶- الحركة الاسلامیة، التطور و النهج و الکسب

و ...

قطعه‌نامه تاریخی مؤتمر اسلامی

شیخ حسن ترابی، طی دعوت‌نامه‌ای رسمی، از اینجانب دعوت نمود در سومین «مؤتمر: ملی - عربی و اسلامی» که با حضور چند صد نفر از شخصیت‌های اسلامی از هشتاد کشور جهان در سودان تشکیل خواهد شد، شرکت کنم، اما متأسفانه این بار هم توفیق شرکت در آن مؤتمر حاصل نشد، ولی با توجه به اهمیت تاریخی و بین‌المللی آن، از برادر ارجمند دکتر حسن مکی (حفظه‌الله)، خواستم که ضمن ابلاغ سلام و تبریک به دبیر کل محترم مؤتمر، از قول حقیر، پیشنهاد کند که توجه خاصی به موضوع ایران داشته باشد و با توجه به اینکه ایران اسلامی مورد تهاجم همه‌جانبه دشمنان استقلال و آزادی ملل مسلمان قرار گرفته، پشتیبانی شرکت‌کنندگان در مؤتمر را، در ضمن قطعه‌نامه پایانی، مد نظر قرار دهند.

خوشبختانه این پیام و پیشنهاد به دبیر کل محترم ابلاغ شد و مورد موافقت قرار گرفت و دفاع و پشتیبانی کامل همه شرکت‌کنندگان از ایران اسلامی، در ماده ۶ قطعه‌نامه تاریخی مؤتمر به تصویب چند صد نفر از شخصیت‌های معروف جهان اسلام رسید... و مدتی بعد دبیرخانه مؤتمر، متن قطعه‌نامه را همراه با نشریاتی برای اینجانب فرستاد و خواستار **استمرار همکاری و تعاون** فیما بین گردید... و به علت اهمیت موضوع و توجه به شرایط خاص آن زمان، ترجمه کامل متن قطعه‌نامه را در همان دوران در فصلنامه «تاریخ و فرهنگ معاصر» - چاپ قم - شماره ۱۳ و ۱۴ مورخ بهار ۱۳۷۴، صفحات ۲۷۴-۲۶۱ منتشر ساختم که

شیخ حسن عبدالله الترابی

رهبر فکری حرکت اسلامی سودان

بخش پایانی

به علت اهمیت تاریخی آن، در آن برهه بحرانی، و تکمیل بحث مربوط به حرکت اسلامی سودان و یادی از نقش شیخ حسن ترابی در صدور آن، پس از نامه دکتر ترابی، در اینجا نقل می‌کنیم:

دبیرخانه کنفرانس ملی - عربی و اسلامی

برادر ارجمند سید هادی خسروشاهی

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

به استحضار می‌رساند (با لطف و عنایت خداوند) **سومین دوره کنفرانس ملی - عربی و اسلامی** از تاریخ ۳۰ مارس تا ۲ آوریل در خرطوم پایتخت سودان منعقد شد که در حدود ۴۰۰ نفر عضو از هشتاد کشور جهان اسلام، در آن شرکت و حضور فعال داشتند.

در جریان نشست‌های این دور از کنفرانس، مهم‌ترین مسایل و مشکلات مربوط به **امت اسلامی** در فضایی آزادانه و توأم با احساس مسئولیت، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نشست پایانی مواضع و دیدگاه‌ها و توصیه‌های شرکت‌کنندگان در قبال موضوعات مطرح شده، عنوان و قرائت گردید که بر اساس نظرات و آراء اعضا، اصلاحات و تعدیلات لازم و ضروری درخصوص هر یک از مواضع و توصیه‌های عنوان شده به عمل آمد. اکنون متن دیدگاه‌ها و توصیه‌های ارائه شده به سومین دوره کنفرانس، به پیوست برایتان ارسال می‌گردد، امیداست که موارد و نکات مندرج در آن شما را در ارزیابی تصمیمات متخذه از سوی کنفرانس به عنوان تصمیماتی که موجب تبلیغ و ترویج و تثبیت اسلام در سراسر گیتی را فراهم می‌کند، یاری دهد.

دبیرخانه کنفرانس امیدوار است که از طریق ارسال بولتن و نامه ارتباط موجود با شما را حفظ کند و شما را در جریان اخبار و عملکرد خود در خصوص چگونگی اجرای توصیه‌های ارائه شده که در حال حاضر عمیقاً سرگرم عملی ساختن آنها بر اساس یک جدول زمانی تعیین شده می‌باشد، قرار دهد. **ما امید آن داریم که جنابعالی با اتخاذ روش‌ها و گام‌های مثبت در جهت به کار بستن توصیه‌های کنفرانس و ارسال آن به دبیرخانه همچنان با ما در ارتباط باشید.**

با کمال تشکر

دکتر حسن ترابی

(دبیر کل کنفرانس)

رسالت جهان اسلام در عصر نوین

بین‌المللی

سومین دور کنفرانس ملی - عربی - اسلامی در تاریخ ۳۰ مارس تا دوم آوریل - ۱۰ تا ۱۳ فروردین ماه سال ۱۳۷۱ - در خرطوم پایتخت سودان برگزار شد. در این کنفرانس که نزدیک به چهارصد نفر عضو از هشتاد کشور اسلامی حضور داشتند، مهمترین مسایل و مشکلات مربوط به امت اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان این کنفرانس متنی منتشر شد که در واقع بیان نظرات و توصیه‌های اعضای کنفرانس به ملل اسلامی جهت اعتلای هر چه بیشتر در آینده است. آنچه در پی می‌خوانید مشروح بیانیه یا قطعه‌نامه پایانی کنفرانس است.

گزارش سومین کنفرانس ملی - عربی و اسلامی

شرح مواضع و توصیه‌ها

با لطف و اذن خداوند، سومین دور کنفرانس ملی - عربی و اسلامی از صبح روز پنجشنبه ۳۰ مارس ۱۹۹۵ برابر با ۲۹ شوال ۱۴۱۵ هـ تا صبح روز یکشنبه ۲ آوریل ۱۹۹۵ برابر با ۲ ذوالقعدة ۱۴۱۵ هـ با حضور ۲۹۱ هیئت از ۸۰ کشور در خرطوم منعقد گردید که از نظر تعداد کشورهای شرکت‌کننده نسبت به دور دوم کنفرانس، این دور شاهد حضوری وسیع‌تر بوده است.

در این میان برخی هیئت‌ها برای اولین بار در کنفرانس شرکت کرده بودند و در میان سایر هیئت‌های شرکت‌کننده نیز کسانی حضور داشتند که از بنیانگذاران

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
شماره ۲	
شماره مسلسل ۱۵۲۰	
پادمان	
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

اسلام در نیمکره شمالی زمین با هدف تأمین نیازهای معنوی در آن سامان از جهان پس از کمرنگ شدن نقش دین و حمایت از سازمان تبلیغات اسلامی که در نیمکره جنوبی زمین فعالیت می‌کند.

در زمینه مقابله با اهداف و طرح‌های صهیونیسم

اعضای کنفرانس بار دیگر دیدگاه مخالف و ثابت خود را در قبال موافقت‌نامه «**اسلو**» و وقایع جاری در منطقه جهان عرب و اسلام اعم از طرح‌های زمینه‌ساز برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی تحت عنوان مصالحه و تسلیم در برابر او با عنوان صلح را مورد تأکید قرار می‌دهد. این در حالی است که طرح‌ها و سیاست‌های رژیم صهیونیستی آشکار و پنهانی مطامع و اهداف خود در جهت غصب اراضی اعراب، **اماکن مقدسه** و **مسجدالاقصی** و محو نهضت اعراب و بیداری اسلامی و مسخ فرهنگ مسلمانان و تاراج ثروت و منابع مادی و معنوی آنها را پی‌گیری می‌کند. از این‌رو برای مقابله با این امر پیشنهادات ذیل از طرف کنفرانس ارائه می‌شود:

۱. ایستادگی و مخالفت در برابر کلیه انواع و اشکال شناسایی و انجام معامله با رژیم صهیونیستی اعم از سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی و خودداری از پی‌گیری شعار جدید خاورمیانه متحد (که ماهیت عربی و اسلامی و وحدت آنها را از میان خواهد برد و به لحاظ اقتصادی نیز مناسبات میان آنها را مختل خواهد ساخت و در عرصه فرهنگی نیز به مسخ فرهنگی اعراب و مسلمانان منجر خواهد گردید.)

۲. اعضای کنفرانس پیشنهاد می‌کنند که به منظور مقابله با طرح صهیونیسم در سراسر جهان مسئله فلسطین همچنان به عنوان یک مسئله محوری و کلیدی باقی بماند.

به‌علاوه کنفرانس بر ایستادگی در مقابل تلاش‌هایی که به منظور غصب نهایی فلسطین و از بین بردن ماهیت فلسطینی آن صورت می‌گیرد، تأکید کرده و ادامه روند اقدام در جهت یکپارچه کردن صفوف به منظور حمایت از انتفاضه فلسطین برای حصول آزادی کامل را مورد تأکید قرار می‌دهد و حمایت خود را از مقاومت جهادگرانه در جنوب لبنان برای آزادی آن بخش از خاک کشور اعلام می‌کند و خواستار اعمال فشار بین‌المللی علیه اسرائیل با هدف آزادی اسرا و بازداشت‌شدگان محبوس در زندان‌های رژیم صهیونیستی می‌باشد.

۳. کنفرانس حمایت خود را از کلیه نیروها و احزاب عربی و اسلامی مخالف تسلیم در برابر سیاست‌های اسرائیل در منطقه و سیاست‌های بین‌المللی که سلطه اسرائیل را رقم می‌زنند، اعلام می‌کند. بر این اساس شرکت‌کنندگان در کنفرانس حمایت قوی خود را از مواضع مخالف اعراب در برابر هرگونه سازشی با رژیم صهیونیستی ابراز و بر مخاطرات ناشی از خودداری رژیم صهیونیستی از اعضای معاهده منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ویرانگر تأکید کرده و نسبت به هرگونه کوتاهی و سستی در قبال این سیاست توطئه‌آمیز اسرائیل هشدار می‌دهد.

تهاجم فرهنگی علیه اسلام

کنفرانس با نگرانی شدید، تهاجم غرب علیه مسلمانان را که در جریان آن غرب از وسایل تبلیغاتی خود استفاده کرده و با بی‌اعتنایی و اخلال در معادله‌های بین‌المللی قدرت اصول و موازین مشترک انسانی در میان تمدن‌ها و فرهنگ‌های جهانی را که برای کرامت و آزادی انسان ارزش و اعتبار زیادی قائلند را نادیده می‌گیرد، دنبال می‌کند. از این‌رو نکات ذیل از سوی کنفرانس توصیه می‌شود:

۱. حمایت و استقبال از گرایش‌های موجود در غرب که خواهان مذاکره و گفتگو با اسلام هستند و پیشبرد این روند و شناسایی مراکز و دوایری که به تحقیق و مطالعه در این خصوص اهمیت می‌دهند، همچنین کنفرانس به کلیه تماس‌هایی که تبادل روشن‌بینانه نظرات و آرا و همکاری مثبت و سازنده با غرب را تحکیم می‌کند، ارج و سپاس می‌نهد.

ادامه در صفحه بعد

عادی کنفرانس (ملی - عربی و اسلامی)، به منظور بررسی تأثیرات اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تجارت برای جلوگیری از تثبیت و تحکیم موضوع تبعیت از اقتصاد سلطه‌گر غرب و ارزیابی و تحلیل در خصوص عواقب پیمان حقوق مؤلف و مخترع که احتمال خنثی‌سازی طرح‌های توسعه کشورهای در حال توسعه توسط آن قابل پیش‌بینی است.

فعالان حقوق بشر

اعضای کنفرانس بر تحکیم پایه‌های عدالت و آزادی و برقراری مساوات میان مردم بر اساس اصول دین حنیف که بر تکریم انسان در هر مقام و موقعیتی تشویق و ترغیب فرموده، تأکید دارد، لذا کنفرانس موارد ذیل را توصیه می‌کند:

۱. اعضای کنفرانس بر اساس میزان ایمان به خداوند شارع و تعالی و دین که انسان را به دور از هر گونه تبعیضات مبتنی بر نژاد و رنگ پوست تکریم می‌کند بر اعتقاد خود به حقوق حقه انسان و امتیازات آن تأکید می‌کنند.

ما معتقدیم حقوق بشر شعاری است که غرب از طریق نادیده گرفتن اعتقادات دینی و باورهای فرهنگی و سنتی ملت‌ها و امت‌ها احتمالاً از آن به عنوان حربه‌ای برای نقض حقوق بشریت و معتقدات آنها استفاده خواهد کرد. از این رو تلاش‌های صادقانه سازمان‌ها و گروه‌های فعالی که برای مقابله با این ترفند فعالیت می‌کنند، قابل تحسین و قدردانی است.

۲. اعضای کنفرانس توصیه می‌کنند، ابتکار ارائه **پیش‌نویس یک میثاق جدید بین‌المللی**، به عنوان جایگزین برای **میثاق‌های کنونی حقوق بشر** صورت گیرد و به کلیه جهانیان عرضه شود تا نقاط ضعف و قوت آن شناسایی و برداشتی صحیح از واژه حقوق بشر مقتضی با موازین پذیرفته شده در نزد کلیه ملل و امم جهان به عمل آید که با حقوق ثابت و مسلم آحاد مردم دنیا بدون اهمال و غفلت و با هر گونه ائتلاف وقت در خصوص انجام این وظیفه و سلب هر گونه ظلم انسانی در حق همنوع خود، منطبق و سازگار باشد.

۳. ما ایجاد و برپایی **سازمان اسلامی بین‌المللی حقوق بشر** را به فال نیک می‌گیریم و از پیشنهادات و توصیه‌های آن، که از طریق متقابل با سازمان‌های مشابه به عمل آمده و طرح‌های مورد نظر و تدوین شده آن به منظور کمک خالصانه و اقدام فعال در جهت منافع مظلومان و ستمدیدگان و بویژه استیفای حقوقی حقه ملل مسلمان، حمایت و پشتیبانی می‌کنیم.

۴. کنفرانس از کشورهای عربی و اسلامی درخواست می‌کند زندانیان سیاسی را آزاد کنند و با احتراز از سر کوب و اعمال ظلم در حق آنها از ایده انجام مذاکره و گفتگو با صاحبان آراء مختلف استقبال کنند.

سازمان‌ها و نهادهای خیریه و تبلیغی

اعضای کنفرانس نشر فعالیت این سازمان‌ها و قرار دادن مکانیسم مناسب و کارساز در اختیار آنها را به منظور انجام وظایفی که واقعیت جاری جهان اسلام لزوم آن را دو چندان ساخته، ضروری می‌بیند. واقعیات و شرایطی که طی آن بسیاری از کشورها و سازمان‌های رسمی دولتی انجام وظیفه خود در خصوص یاری رساندن به پابرنه‌ها و تأمین نیاز مسلمانان در اوضاعی که بلایا و متاعب نازله بر آنها فزونی گرفته را از یاد برده‌اند و از آن عدول می‌کنند. از این‌رو کنفرانس پیشنهادات ذیل را ارائه می‌کند:

۱. ایجاد یک ساختار جهانی برای سازمان‌های خیریه غیردولتی در میان امت مسلمان و گسترش حوزه فعالیت آن همراه با تأکید بر نقش داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی که بر عهده آن نهاده شده است.

۲. اعضای کنفرانس پیشنهاد می‌کنند به منظور چگونگی مصرف و توزیع صدقات، خدمات و خیریه و تعیین موارد و وظایف و اولویت‌های تخصیص آن به ویژه در زمینه‌های مبارزه با فقر و امداد و سالم‌سازی محیط و توسعه و پرداخت مبالغ استقراض شده طرح و سیاست مشخص اتخاذ شود.

۳. حملات تبلیغاتی غیر منصفانه علیه سازمان‌های خیریه غیردولتی در سطح جهان اسلام و عرب، مردود بوده و باید راه‌های سازمان‌دهی به نهادهای خیریه جهانی و تأمین و تهیه مکانیسم‌های اجرایی مؤثر برای آنها و نظارت بر عملکرد و ارتباطات اجتماعی‌شان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۴. ایجاد یک سازمان تبلیغی به منظور ترویج آئین

خود عامل تفرقه و جدایی شود، پی‌گیری قضیه از طریق مذاکره و تبادل نظر سودمند برای نزدیک کردن و یکی نمودن نظرات، بهتر و مناسب‌تر تشخیص داده شد.

سایر قشرها و نیروهای اجتماعی

به‌منظور تعمیم و تسری افکار و ایده‌های کنفرانس به دیگر سطوح جامعه و دمیدن روح در آنها در زمینه‌های مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و اعتلای امت، زمینه‌های انجام دیدار و ملاقات میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه توسط کنفرانس فراهم آمد و مسایل قشر جوان، دانشجو، زن، کارگر و امور کارگری و نهادها و سازمان‌های خیریه و تبلیغی و فعالان حقوق بشر مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتایج ذیل حاصل آمد:

قشر جوان و دانشجو

کنفرانس نقش عمده‌ای برای جریانات دانشجویی و جوانان جهان عرب و اسلام قابل است و تأکید دارد که دانشجویان جوهر و اساس هر گونه تغییر و تحول و پیش‌تاز آن هستند. دانشجویان ثابت قدم و راسخ، پرظرفیت‌ترین قشر جامعه برای پذیرش مسئولیت جهاد و دعوت و تبلیغ هستند، و از این‌رو:

۱. کنفرانس بر بذل اهتمام به امر ایجاد و پرورش و اعتلای نسل جوان جامعهٔ اسلامی بر اساس ایمان و عمل صالح و التزام و تعهد مفید و کارساز تأکید کرده، خواستار ایجاد رابطه میان زمینه‌های آموزشی با عرصه‌های عملی و واقعی جوامع اسلامی است.

۲. کنفرانس توصیه می‌کند که یک **تشکل جهانی برای دانشجویان و جوانان** به وجود آید تا به منزله هسته‌ای برای یکپارچه ساختن سازمان‌ها و نهادهای دانشجویی و جوانان در سطح دنیا بر اساس روح همدلی و همکاری و آمادگی دائم به منظور پذیرش مسئولیت جهاد و خودسازی و روبروشدن با مشکلات بیدارگرایی معاصر باشد.
۳. کنفرانس ترغیب و تشویق روحیه تحصیل و انجام تحقیقات علمی و تثبیت مبانی آن در میان دانشجویان و ایجاد انگیزه اختراع و ابداع علمی و دست‌آوردهای جدید فرهنگی و معیار رقابت قرار دادن آن در میان دانشجویان کشورهای مختلف اسلامی و عربی و جوانان آنها را توصیه می‌کند.

زنان و بانوان

کنفرانس به موج جدید آگاهی و بیداری که عنصر توانمند زنان در دنیای اسلام شامل آن است، به دیده تحسین و امیدواری می‌نگرد و به نقش عمده‌ای که آنها دارند در راه به ثمر رساندن نهضت اسلامی ایفا کنند، اطمینان زیاد دارد و لذا موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. تأسیس یک نهاد بین‌المللی برای زنان که عهده‌دار تعیین اهداف کلی و اتخاذ طرح‌های عملی نهضت زنان جهان اسلام و ایجاد و هماهنگی میان تلاش‌های مختلف که به قصد پیشبرد امور زنان و تحقق جامعه مطلوب و ایده‌آل اسلامی صورت می‌گیرد، باشد. از این رو کنفرانس به سازمان جهانی زنان مسلمان پیشنهاد می‌کند، به منظور عملی کردن این طرح، برنامه‌های جدیدی را تدوین و در پیش گیرد.

۲. شرکت‌کنندگان در کنفرانس پیشنهاد می‌کنند نهاد بین‌المللی فوق‌الذکر به منظور ایجاد مراکز و سازمان‌هایی که تحقق هدف مذکور را قابل دسترسی کند، کار ارائه آموزش به زنان در کلیه زمینه‌های علمی و فنی و تبیین چگونگی ایفای نقش از سوی آنها را بر عهده گیرد.

۳. **کنفرانس هتک حرمت اعمال شده علیه زنان مسلمان در اروپا و بویژه حملات غرب علیه حجاب و پوشش و مظاهر اسلامی بانوان را مردود - و محکوم - می‌داند.**

کارگران و صاحبان حرف و مشاغل

اعضای کنفرانس پیشنهاد می‌کنند نیروهای سازمان یافته کارگری در بخش خدمات عمومی و اقتصادی جهان اسلام و عرب بر میزان فعالیت‌های خود بیافزایند و همچنین بر برقراری ارتباط مستحکم میان آنها تأکید دارد و موارد ذیل توصیه می‌شود:

۱. ایجاد و برپایی تشکل‌های جهانی و اسلامی در میان جامعه پزشکان، داروسازان، مهندسان، دامداران، کشاورزان، صاحبان حرف، بازرگانان، صنعتگران و کلیه سازمان‌ها و اتحادیه‌های موجود عربی و اسلامی بطوریکه در صورت لزوم ایجاد هماهنگی و همسویی تحقق ائتلاف و وحدت میان آنها قابل دسترسی و امکان‌پذیر گردد.
۲. انعقاد نشست‌های حاشیه‌ای و یا برپایی دوره‌های

کنفرانس بودند و برخی دیگر برای دومین بار در آن شرکت می‌کردند.

اگرچه از نظر تعداد اعضای شرکت‌کننده هر هیئت، این دور شاهد حضوری گسترده‌تر بود، باید گفت: مشارکت **رهبران جنبش‌های ملی، عربی و اسلامی** نیز اهمیت فزاینده‌ای به آن داده است. در هر صورت کنفرانس در شرق و غرب در حال گسترش است و با ورود اعضای جدید به آن مورد قبول و حمایت وسیع‌تر قرار می‌گیرد و با آنکه آماج تبلیغات سوء بوده، اما همچنان در فضای تیره و تاریک جهانی در حال درخشش است.

همچنین در این دور، گروه عظیمی از سازمان‌ها و افراد مسئول امر تبلیغات و مطبوعات شرکت کرده بودند که باید گفت: با صرف‌نظر از میزان پوشش خبری و تبلیغاتی، چنین حضور وسیعی از جایگاهی که کنفرانس در عرصه جهانی احراز کرده و تأثیراتی که صاحب‌نظران امور برای کارها و اقدام‌های آن در آینده پیش‌بینی می‌کنند، حکایت دارد.

نشست‌ها و مباحثات این دور کنفرانس در فضایی کاملاً آزاد و صمیمی برگزار شد.

ماهیت موضوعات طرح شده و یا ظاهر مراسم خارج از تشریفات و محدودیت‌های دست و پاگیر رسمی بود و کنفرانس طبق همان سنتی که بر آن استوار گردیده، یعنی عدم مشارکت اعضا به عنوان افراد و یا هیئت‌های رسمی کشورها، بلکه صرفاً به عنوان نمایندگان مردمی و انقلابی به کار خود ادامه داد.

سومین دور کنفرانس بر اساس مواضع متخذه و توصیه‌های به عمل آمده در آن، گامی در راستای ارائه نظرات و دیدگاه‌های عملی و تدابیر اجرایی بوده است. در آغاز انعقاد دور حاضر و طی جلسه افتتاحیه شش سخنران در مجموع به نمایندگی از هر قاره به ایراد نطق پرداختند و دبیر کل کنفرانس نیز به طور کلی اهداف و مقاصد اصلی آن و موضوعات در نظر گرفته شده برای طرح و بحث و بررسی را ارائه و تشریح کرد.

اقدام‌ها و تدابیر مربوط به اساسنامه کنفرانس

بررسی اصول و معیارهای مندرج در مرامنامه کنفرانس، جزو اولین موضوعات مطرح شده در جریان مباحثات بود و طی آن کارنامه دومین دور کنفرانس و گزارش دبیرخانه در خصوص به کارگیری توصیه‌های ارائه شده از سوی آن در میان اعضا توزیع شد. سپس کنفرانس در رابطه با اساسنامه و مقررات سازمانی و نهادی خود تصمیم‌های ذیل را اتخاذ کرد:

کنفرانس بر اصول مندرج در اساسنامه مبنی بر پذیرش عضویت شخصیت‌ها و گروه‌ها و سازمان‌ها و احزابی که در کنفرانس پایه‌گذاری شرکت داشته‌اند و اعضای آتی که به روح اسلام و اصول هدایتگرانه و تاریخ تمدن آن ملتزم هستند و به افق ترویج و اشاعه آن نظر دوخته‌اند و نیز کسانی که خود را جزئی از میراث تمدن اسلامی می‌دانند، تأکید دارد.

در رابطه با انعقاد کنفرانس عمومی، کنفرانس ملی - عربی و اسلامی توصیه می‌کند که دبیرخانه در جهت برپایی چنین اجلاسی به طور سالانه اقدام کند و چنانچه در راه برگزاری آن به علت کمبودها و تنگناهای ناشی از فقدان امکانات با دشواری و معضل روبرو شد، به برپایی و انعقاد اجلاسی در سطح پایین‌تر مبادرت کند.

کنفرانس به سازمان‌ها و شخصیت‌های عضو خود توصیه می‌کند به منظور اداره امور و اجرای برنامه‌های تدوین شده و تأمین هزینه‌های مورد نیاز، اعتبارات لازم را از طریق مشارکت مالی «معین» تأمین کنند.

کنفرانس به کلیه احزاب و شخصیت‌های عضو توصیه می‌کند، هر یک از آنها با توجه به امکانات و موقعیت خود در جهت ایجاد و تأسیس نهاده‌ا و سازمان‌های جنبی برای کنفرانس در کشورهای خود، اقدام کنند.

بیشتر شرکت‌کنندگان در کنفرانس برآنند که سومین دور کنفرانس باید آغاز مرحله‌ای به سوی یکپارچگی صفوف و پشت سرگذاشتن اختلاف‌هایی که میان ملل عربی و اسلامی فاصله انداخته، باشد و عنوان کنفرانس ملی اسلامی بدون نیازی به الصاق قید عربی به آن برای آینده انتخاب و استفاده شود، اما بنا به ملاحظاتنی تغییر عنوان از طریق رأی‌گیری به صلاح اهداف و آرمان‌های کنفرانس تشخیص داده نشد و برای احتراز از طرح موضوعی که

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت
◄ شماره ۲
◄ شماره مسلسل ۱۵۲۰
◄ نیمه دوم فروردین ۱۳۹۵
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ادامه از صفحه قبل

۲. کنفرانس توصیه می‌کند که با ایجاد نزدیکی و رابطه با مسیحیان و کلیه ملل در جهت ایجاد سازمانی اقدام شود که جبهه واحدی برای آغاز گفت و شنود میان عناصر همفکر و متفق‌القول و همکاری معنوی با یکدیگر در برابر عقاید و مظاهر مفاسد مادپگری را تشکیل می‌دهد.

۳. کنفرانس اهتمام به مکانیسم و وسیله تبلیغاتی در رساندن پیام مورد نظر به غرب و ضرورت پیشرفته کردن امکانات تبلیغاتی جهان اسلام و عرب با هدف ابلاغ پیام و ندای امت اسلام مبنی بر گفتگو با غرب و سایر ملل را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. **کنفرانس، محکومیت جانبداری غرب و آمریکا در قبال اقدام‌های اسرائیل و خصومت آشکار علیه هر گروه و کشوری که به اسلام ملتزم می‌باشد را اعلام می‌کند** و به تمامی جریانات و نیروهای فعال در جهت برقراری صلح و عدالت و طرفداری از ملل مستضعف به‌ویژه تأمین آزادی مسلمانان و استیفای حق مسلم آنها در بهبود شرایط زندگی و تعیین سرنوشت خود درود می‌فرستد.
۵. کنفرانس پیشنهاد می‌کند یک اقدام جهانی توسط ملل جهان سومی برای اصلاح سازمان ملل متحد و تغییر ساختار آن و پی‌ریزی مجدد آن بر اصول و شالوده‌های مبتنی بر عدالت و برابری و تغییر نظام عضویت شورای امنیت و لغو حق وتو و ایجاد و برپایی یک تشکیلات قضایی به منظور نظارت بر کار سازمان، صورت گیرد.
۶. اعضای کنفرانس توصیه می‌کنند، در جهت یکپارچه کردن نیروهای ملی، عربی و اسلامی با پشت پا زدن به تعصبات نژادی و طایفه‌ای و مذهبی و دینی و تمامی موجبات و علل تفرقه‌انگیز و جدایی‌ساز برای حمایت از جهان اسلام و عرب در برابر چالش‌ها و پیشبرد آن به سوی تحقق امت واحده اسلامی و دفاع یکپارچه از بازار و فرهنگ مشترک خود، اقدام به عمل آید.

اقلیت‌های مسلمان جهان

اعضای کنفرانس اوضاع وخیمی را که اغلب اقلیت‌های مسلمان در نقاط مختلف جهان با آن دست به گریبان می‌باشند و در معرض ظلم و اجحاف قرار دارند، و این در حالی است که پناهی جز توسل و تمسک به دین خود ندارند، در نظر گرفته و نکات زیر را پیشنهاد می‌کنند:

۱. شکیبایی و بردباری اقلیت‌های مسلمان در سراسر نقاط جهان در برابر ظلم و ستم‌هایی که در حق آنها روا

داشته می‌شود و اعمال محرومیت نسبت به آنها از دسترسی به حقوق ابتدایی خود، مورد تحسین و تمجید است که در راستای ابلاغ و تشریح موارد این وقایع در سطح جهان و رسوا کردن ظالم و یاری مظلوم اقدام می‌شود.

۲. از تمامی مسلمانان درخواست می‌شود با هدف حمایت از اقلیت‌های مسلمان و ایجاد هماهنگی در این امر به‌ویژه در زمینه‌های آموزش و پناه دادن به پناهندگان، اقدام کنند.

۳. برای گفت‌وگو و مذاکره با جهانیان، به منظور تدوین میثاق بین‌المللی مورد امضاء و حمایت همه که بر خوشرفتاری و تأمین حقوق اقلیت‌های دینی تصریح کند و توصیه‌های زکیه اسلام درخصوص حسن رفتار با افراد غیر مسلمان را مطمح نظر قرار دهد، دعوت به عمل می‌آید.

مصائب و مشکلات مسلمانان

اعضای کنفرانس تحولات اوضاع مسلمانان در جهان و اشکال ظلم اعمال شده در حق آنها را زیر نظر دارد و تمامی صدهایی که بانگ رفع ظلم و ستم را برآورده‌اند استجابت می‌کند و از این رو:

۱. کنفرانس از کشورهای عربی و اسلامی می‌خواهد تجاوز روسیه به چین را محکوم کنند و از مبارزان آن حمایت به عمل آورند. و توصیه می‌کند کمیته‌ای به منظور انجام مذاکره میان مردم چین و مسکو و اقدام در جهت برقراری صلح و جلوگیری از خونریزی و توقف کشت و کشتار، تشکیل شود.

۲. کنفرانس از کشورهای عربی و اسلامی می‌خواهد، آزادی‌های عمومی را به ملت‌های خود ارزانی دارند و با آنها از سر صلح و سازش درآیند و از گسترش و اعمال زور و جبر خودداری کنند تا ملت‌ها برای در امان ماندن از فتنه به حق مشروع خود یعنی جهاد و دفع باطل متوسل نشوند. فتنه‌ای که تر و خشک را با هم خواهد سوزاند و امکانات و ثروت و انرژی را بر باد خواهد داد و زمینه را برای مداخله خارجی فراهم خواهد کرد.

۳. کنفرانس از تمامی کشورهای عربی و اسلامی برای اجرای احکام اسلام و اصول و خط مشی آن برای اجابت امر الهی و خواسته ملت‌ها، دعوت می‌کند.

۴. کنفرانس از **تمامیت ارضی عراق** حمایت کرده و نقض آن را رد می‌کند و مخالفت خود با محاصره بین‌المللی اعمال شده علیه آن کشور را اعلام می‌دارد و از تلاش کلیه کشورهای که برای رفع تحریم از ملت عراق اقدام می‌کنند، تقدیر می‌کند و از شورای امنیت می‌خواهد تا تصمیم نهایی خود در خصوص پایان دادن به محاصره مردم عراق را اتخاذ کند و از کشورهای اسلامی می‌خواهد تا در جهت شکستن حلقه محاصره اقدام کنند.

۵. کنفرانس به پایداری ملت لیبی در برابر تلاش‌هایی که به قصد مخدوش کردن استقلال و حاکمیت آن و

شیخ حسن عبدالله الترابی رهبر فکری حرکت اسلامی سودان

هتک حرمت شهروندان لیبیایی صورت می‌گیرد، درود می‌فرستد و از جامعه اسلامی و جهان عرب و دنیا می‌خواهد به عنوان احقاق حق و اقدامی انسان‌دوستانه برای خاتمه دادن به محاصره سه ساله اعمال شده علیه آن کشور و بازگشایی خط هوایی برای اعزام حاجیان لیبیایی به حج اقدام کنند.

۶. اعضای کنفرانس حمایت و تأیید خود از کشورهایی را که از هویت و شریعت اسلامی خود پاسداری کرده‌اند اعلام می‌دارد و از پایداری و مجاهدت ایران در برابر تهاجمات و حملات فزاینده علیه آن کشور به منظور تضعیف و به محاصره درآوردن آن، ستایش و تمجید می‌کند و از تلاش‌های آن در جهت تأکید بر فرهنگ اصیل اسلامی خود و حمایت و پشتیبانی از مسایل مربوط به مسلمانان قدردانی می‌کند.

۷. کنفرانس ستایش خود از ثبات سودان در مواضع اصولی خود در قبال تلاش‌هایی که به هدف تجزیه آن کشور و مخدوش کردن هویت و نهضت آن صورت می‌گیرد را اعلام می‌کند و موانع تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی را که غرب بر سر راه سودان ایجاد می‌کند، مردود می‌داند.

۸. اعضای کنفرانس پایداری ملت **بوسنی و هرزگوین** در برابر نژادپرستان صرب و اهمال ظالمانه اروپا و ستم سازمان ملل را تحسین کرده و از تمامی ملل مسلمان و جریانات دوستدار برقرار عدالت و صلح برای همبستگی با این ملت مسلمان دعوت می‌کنند و از سازمان ملل و کشورهای بزرگ می‌خواهند در جهت رفع محاصره علیه این ملت مقاوم اقدام کنند تا امکان دفاع از حقوق عادلانه و موجودیت خود برای آنها میسر شود.
۹. کنفرانس حمایت و پشتیبانی خود از مسئله کشمیر و تعیین سرنوشت آنها در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل را اعلام می‌دارد و بر ادامه تلاش‌های خود در جهت یاری رساندن به آنها تأکید دارد و از هند می‌خواهد تا اعمال زور را کنار گذاشته و در پی راه‌های مذاکره و صلح باشد.

۱۰. اعضای کنفرانس از تمامی برادران متخاصم در **افغانستان و سومالی** می‌خواهند که خونریزی را متوقف کنند و با کنار نهادن اختلافات قبیله‌ای و شخصی در جهت استقرار امنیت مبتنی بر اصل شورا و عدالت اقدام کنند و برای بازسازی کشور خود و خدمت به مردم کمر ببرندند. در این زمینه کنفرانس بر ادامه تلاش خود برای میانجی‌گری در نزد برادران این کشورها برای استقرار صلح در میان آنها و تقویت صفوف و تعدیل خط مشی‌شان تأکید می‌کند. همچنین کنفرانس درصدد تشکیل کمیته‌های متشکل از افراد با فراست می‌باشد که هدف آن پی‌گیری مساعی صلح در

نقض حقوق بشر توسط آل خلیفه؛ از سر کوب بی‌پایان تا عناد با شیعیان

طول سال ۲۰۱۵ اقدامات سرکوبگرانه بسیاری را علیه شیعیان بحرینی انجام داده و برای آنها در بسیاری از موارد محدودیت قائل شد. هم اکنون شیعیان بحرینی با سیاست تبعیض آمیز رژیم آل خلیفه در برخورداری خود از حقوق شهروندی مواجه هستند.

در خصوص سرکوب آزادی بیان نیز کمیته حقوق بشر بحرین در گزارش سالانه خود آورده است: در سالی که گذشت حتی رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی هم از اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه در امان نماندند، چراکه بسیاری از آنها به دلیل انتقاد از سیاست های این رژیم یا مورد هجوم قرار گرفتند و یا تعطیل شدند.

کمیته حقوق بشر بحرین همچنین به هتک حرمت رژیم آل خلیفه به مقدسات در بحرین اشاره کرده و اظهار داشت: نظامیان رژیم آل خلیفه در طول سال ۲۰۱۵ به ویژه در ایام محرم الحرام و روزهای تاسوعا و عاشورا اقدام به جمع آوری تمامی پرچم هایی که بر روی آن اسماء مقدس نگاشته شده بود، کردند.

در همین ارتباط این کمیته اعلام کرده است: بسیاری از سخنوران و مداحان بحرینی و همچنین کسانی که در مراسم های عزاداری محرم الحرام شرکت کرده بودند، توسط دادستانی آل خلیفه برای بازجویی فراخوانده شدند.

میان گروه‌های افغانی و سومالیایی، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده بیشتر از این کشورها و استیفاء حقوق از دست‌رفته‌شان از دست روس‌ها و سازمان ملل، می‌باشد.
۱۱. کنفرانس از **حکومت الجزایر** می‌خواهد به خونریزی که قربانیان آن افراد بی‌گناه هستند، پایان دهد و به مذاکره همه‌جانبه با کلیه نیروها و احزاب ملی‌گرا و اسلامی برای خروج از بحران جاری روی آورد. همچنین کنفرانس بر حمایت همه‌جانبه خود از میثاق پیمان ملی به عنوان زمینه‌ای برای مذاکرات که به راه حل سهامی و مسالمت‌آمیز عادلانه و مبتنی بر اصل شورا منتهی می‌شود، تأکید دارد.

۱۲. اعضای کنفرانس به تلاش‌های صادقانه‌ای که برای برطرف کردن شکاف ایجاد شده در پی بحران خلیج (فارس) میان کشورهای عربی مبذول می‌شود به دیده تحسین و خشنودی می‌نگرند و حمایت کامل خود را از هر اقدامی که به هدف ترمیم شکاف و با تأمین منافع امت اسلامی و استقلال و فرهنگ آن صورت گیرد، اعلام می‌کنند.

۱۳. اعضای کنفرانس حمایت خود از اقلیت‌های مسلمان و مستضعف را در **کوزوو، سنگال، میانمار، فیلیپین، تایلند، یونان** و برخی کشورهای آفریقایی و نیز اقلیت‌های موجود در **ایالات متحده آمریکا و آمریکای مرکزی و لاتین**، اعلام می‌دارند.

۱۴. کنفرانس بر حقوق گروه‌ها و سازمان اسلامی در آزادی انتخاب دین تأکید کرده و از مقراتی که به ویژه در تونس، اریتره و تاجیکستان و برخی جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق در آسیا، اسلام را در محدودیت قرار می‌دهند انتقاد می‌کند.

۱۵. کنفرانس از تلاش‌های مسلمانان برای تثبیت و تأمین موجودیت منطقه‌ای و آزادانه خود (استقلال) به ویژه در **جمهوری آذربایجان و قبرس** حمایت کرده، خواستار توقف خونریزی در میان مسلمانان به‌ویژه در مناطق کردنشین است و از مسلمانان می‌خواهد په هدف تثبیت موجودیت و نجات فرهنگ خود خصوصا در کشورهای اروپای غربی و برخی کشورهای آفریقایی، بپاییزند.

کنفرانس از حکومت و مردم مبارز سودان که با آغوش باز از اعضای کنفرانس استقبال کردند و با آگاهی و فهمی عمیق با مسایل و موضوعات مطروحه در آن برخورد کردند، مراتب کمال امتنان و تشکر صادقانه خود را ابراز می‌دارد.

همچنین از دست‌اندرکاران تبلیغاتی رسانه‌های سودان و جهان که درکنفرانس حضور یافته و آن را پوشش خبری دادند و نیروهای انتظامی و تشریفات و شخصیت‌ها و مؤسساتی که ما را در هر چه بهتر برگزار کردن آن یاری دادند و نیز اعضای دبیرخانه و سایر کارمندان و عوامل کمال سپاس و تشکر را داریم.
پایان **دبیرخانه مؤتمر – سودان**

کمیته حقوق بشر بحرین در پایان گزارش تکان دهنده خود از سلسله اقدامات رژیم آل خلیفه در نقض گسترده حقوق بشر در بحرین خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و تعیین ساز و کارهایی به منظور آغاز گفتگو با مخالفان شده است.

این کمیته همچنین از رژیم آل خلیفه خواسته تا سیاست های تبعیض آمیز خود در قبال شیعیان بحرینی را متوقف و مبارزه با تروریسم را در جایی دیگر به سرانجام برساند.

کمیته حقوق بشر بحرین همچنین خواستار توقف فوری شکنجه زندانیان سیاسی در بند آل خلیفه شده و اعلام کرده است: کسانی که به هر دلیل از دولت انتقاد دارند، نباید با بدترین واکنش های ممکن مواجه شوند.

این کمیته همچنین از رژیم آل خلیفه خواسته تا به حملات خود علیه فعالان حقوق بشری در بحرین پایان و به آنها اجازه دهد تا با آزادی کامل به فعالیت های خود ادامه دهند.

کمیته حقوق بشر بحرین همچنین ضمن انتقاد شدید از ممانعت مقامات رژیم آل خلیفه از ورود مقامات حقوق بشری سازمان ملل به بحرین، اعلام کرد: رژیم آل خلیفه باید هرچه سریع تر مجوز ورود مسئولان نهادهای بین المللی حقوق بشری به کشور را صادر کنند.

نشست هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار شد

نشست هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با حضور آیت الله محسن اراکی، آیت الله محمد علی تسخیری، حجت الاسلام دکتر محسن قمی، مولوی اسحاق ملنی، حجت الاسلام دکتر خسروپناه، حجت الاسلام اوحی، آیت الله خسرو شاهی، حجت الاسلام سید منذر حکیم، حجت الاسلام دکتر مختاری، محمدرضا گلرو، دکتر محمد حسن تبرائیان و دکتر محمد علی آذرشب برگزار شد. اعضای شرکت کننده در این نشست به بررسی برنامه‌ها و چشم‌انداز فعالیت‌های پژوهشگاه مطالعات تقریبی پرداختند. آیت الله تسخیری رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب در این نشست طی سخنانی با بیان اینکه مسئله فرهنگی و پژوهشی یکی از خطوط اصلی مجمع جهانی تقریب است، اظهار داشت: انتظار زیادی از مجمع جهانی تقریب می‌رود که در این زمینه ایده‌های جدید و طرح‌های جدیدی را ارائه کند.

حجت الاسلام دکتر محسن قمی معاون روابط بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری نیز طی سخنانی در این نشست گفت: مجمع جهانی تقریب علاوه بر اینکه به بُعد حوزوی و فقهی بپردازد باید در زمینه مطالعات اجتماعی نیز ورود کند.

وی پیشنهاد کرد مجمع جهانی تقریب گزارش‌های سالانه‌ای همانند گزارش سالانه حقوق بشر یا محیط زیست، پیرامون وضعیت تقریب در جهان اسلام ارائه دهد. همچنین گزارش‌هایی پیرامون تهدیدهای جهان اسلام و اهداف جهان اسلام تهیه و ارائه کند.

دکتر محمد علی آذر شب معاون افریقا و عربی معاونت بین‌الملل مجمع جهانی تقریب نیز طی سخنانی تأکید کرد: مجمع جهانی تقریب با مجمع تحقیقات استراتژیک قاهره ارتباط برقرار کند و از پژوهش‌های این مرکز در زمینه استراتژیک بهره‌برد. در ابتدای این نشست نیز حجت الاسلام دکتر مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی گزارشی پیرامون فعالیت‌ها و برنامه‌های پژوهشگاه مطالعات تقریبی ارائه کرد.

لازم به ذکر است، در پایان این نشست مصوب شد که موضوع شناخت جریان‌های تکفیری در جهان اسلام در دستور کار فعالیت‌های پژوهشی، پژوهشگاه مطالعات تقریبی قرار گیرد.

ناظمی اردکانی معاون امور فرهنگی و اجتماعی مجمع جهانی تقریب شد

طی حکمی از سوی دبیر کل مجمع جهانی تقریب، دکتر محمد ناظمی اردکانی به سمت معاون امور فرهنگی و اجتماعی مجمع جهانی تقریب منصوب شد. متن این حکم به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر محمد ناظمی اردکانی با توجه به سوابق، تجربیات ارزنده، کاردانی و توانایی‌ها و شناختی که از شما دارم جنابعالی را به عنوان معاون امور فرهنگی و اجتماعی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منصوب می‌نمایم.

انتظار دارم به همت والا و پشتکاری که همیشه داشته‌اید با مطالعه سوابق و برنامه‌های تنظیم شده دو معاونت فرهنگی و اجتماعی در کوتاه‌ترین زمان نسبت به ساماندهی امور محوله در فراهم‌آوری زمینه‌های ارتقاء همه جانبه و تقویت امور مجمع اهتمام نموده و تمهیدات لازم برای پیشرفت سریع برنامه‌ها در حوزه‌های مذکور را فراهم آورید. موفقیت روزافزون شما در تحقق اهداف بلند و مقدس رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای «مدظله‌العالی» در ایجاد بسترهای مناسب وحدت و تقریب و فرق و مذاهب اسلامی در جهان امروز را از خاوند سبحان مسئلت دارم.

محسن اراکی

آیت الله اراکی:

نهادهای مختلف کشور از فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب حمایت کنند

فقط ۸۰ درصد این بودجه اختصاص داده شد که این نشان می‌دهد برخی از مسئولین اعتقاد چندانی به تقریب ندارند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب گفت: ما از نهادهای مسئولین کشور تقاضا داریم مجمع جهانی تقریب را در این مأموریت خطیر یاری کنند البته برخی از نهاد از جمله دفتر مقام معظم رهبری همواره این حمایت‌ها را انجام داده‌اند اما ما می‌خواهیم که همه نهادهای کشور به طور کلی با مسئله تقریب ورود پیدا کنند زیرا مسئله تقریب، مسئله‌ای نیست که یک نهاد بتواند آن را به تنهایی انجام دهد بلکه باید همه نهادهای به تقریب بپردازند.

وی با اشاره به برنامه‌های سال جاری مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: راه اندازی رسانه ماهواره‌ای تقریب یکی از مهمترین برنامه‌های مجمع جهانی تقریب در سال جاری است زیرا راه اندازی رسانه تقریب درخواست همه دلسوزان جهان اسلام است.

و تعداد دیگری از کشورها نشست‌ها و کنفرانس‌هایی تقریبی با حضور علمای شیعه و اهل سنت برگزار گردید. آیت الله اراکی در ادامه با اشاره به برگزاری بسیار موفق بیست و نهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در سال گذشته اظهار داشت: بیست و نهمین کنفرانس وحدت، کنفرانس بسیار موفق و اثرگذاری بود و اثرگذاری آن را به راحتی می‌توان از واکنش دستگاه‌های استخباری متوجه شد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با انتقاد از بودجه بسیار اندک مجمع جهانی تقریب، اظهار داشت: با توجه به حجم گسترده فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب و همچنین تلاش گسترده دشمنان برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام، اختصاص بودجه ۲۴ میلیارد تومانی برای مجمع جهانی تقریب بسیار ناچیز است البته در نهایت

آیت الله تسخیری:

جامعه اسلامی، در جاتی است نه طبقاتی و سوسیالیسی

روی او قرار می‌دهد و این ولی امر است که با مشورت متخصصان یک گزینه را برای جامعه انتخاب می‌کند و دستور می‌دهد که مورد عمل جامعه قرار بگیرد و وجوب اطاعت از ولی امر هم که در محل خود اثبات شده است و در نتیجه، آن مکتب حجت پیدا می‌کند.

آیت‌الله تسخیری با اشاره به برخی از اشکالاتی که بر این نظریه وارد شده است، افزود: «گفته شده است که آیت‌الله صدر از فتاوی دیگران و حتی فتاوی اهل سنت استفاده کرده است و این‌ها برای خود او حجت ندارد. اما شهید صدر به این نکات توجه داشته و اگرچه پاسخ آن مفصل است اما اجمالاً می‌گوید در استنباط مکتب، مهم نَسَب اسلامی مکتب است؛ زیرا مکتب برای عمل فرد مقلد نیست، بلکه برای عمل ولی امر و حکومت است ولذا اگر نسب اسلامی آن ثابت شود، کافی است و نیاز نیست حجت آن با روش‌های معمول استنباط اثبات شود، بلکه مکتب، نسب اسلامی خود را از روش‌های استنباط و حجیتش را از ولی فقیه می‌گیرد.»

وی افزود: «من معتقدم مرحوم صدر عالم مقاصدی به تمام معنا بود و همه اهداف علم مقاصد را در نظر گرفته و در «اقتصادنا» گنجانده است. او روابط علم اقتصاد با علوم دیگر و انواع دیگر ارتباطات، انسجام بین مؤلفه‌های زندگی اقتصادی، تأثیر علم مقاصد در استنباط شرعی که حجت است و تئوری که به ولی امر باید ارائه شود را در این کتاب نشان داده است. این تئوری لازم نیست استنباطات خود مؤلف باشد و کافی است از

به گزارش خبرگزاری اهل بیت(ع) - ابنا - اولین نشست از هفته بزرگداشت شهید صدر، فروردین ۱۳۹۵ در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام برگزار شد.

در این نشست که به همت مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر برپا گردید، آیت الله تسخیری در ابتدای سخنانش با تبیین چستی و پیشینه علم مقاصد شرعی گفت: «علم مقاصد شرعی با مرحوم امام غزالی در قرن‌های پنج و شش آغاز شده است، اما کسی که این علم را به صورت علم در آورد، شاطبی است. ابن عاشور می‌گوید این علم علمی است که حکمت‌های شرعی را به دست می‌آورد که در همه آنها تشریع مطرح شده است. پنج مقصدی که بیان می‌شود، عبارت است از حفظ دین، نفس، نسل، مال و عقل که از نظر او مقاصد عامه است و مقاصد خاصه هر علمی از جمله حقوق، اقتصاد و ... نیز در هر حوزه بحث می‌شود.»

آیت‌الله تسخیری با اشاره به اهداف علم مقاصد، تصریح کرد: «کشف ارتباط میان عوامل شریعت، کشف ویژگی‌های اسلام، کشف مقاصد شرعی از جمله عام و خاص و ایجاد گزینه‌های مختلف نظام‌های جامعه برای ولی امر (ولی فقیه)، اهداف علم مقاصد است.»

وی با توضیح هدف چهارم علم مقاصد گفت: «یکی از وظایف علم مقاصد این است که گزینه‌های مختلف نظام‌های جامعه را به ولی فقیه ارائه کند و مثلاً در عرصه اقتصاد، مکتب اقتصادی اسلام را نشان می‌دهد و گزینه‌های مختلفی را جز استنباط خود ولی امر پیش

بازدید رئیس مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور از پژوهشگاه مطالعات تقریبی

ارسال چندین دوره از کتابهای پژوهشگاه مطالعات تقریبی به آن مرکز، امیدوارم با همکاری این دو نهاد سومین همایش تقدیر از آثار و پایان نامه‌ها به بهترین نحو برگزار شود.

همچنین حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی رئیس مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور و نماینده ولی فقیه در استان کردستان با تشکر از برگزاری این جلسه گفت: برگزاری این همایش در استان کردستان که اکثریت آن را اهل سنت تشکیل می‌دهند بسیار مفید خواهد بود.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان با اشاره به تأثیر آثار تقریبی قوی در استان کردستان افزود: در این همایش می‌توان از ظرفیت بالای مدارس اهل سنت و دانشجویان این استان برای ارسال پایان نامه‌های تقریبی استفاده نمود.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی تصریح کرد: در استان کردستان تقریب مذاهب به معنای حقیقی وجود دارد و رابطه بسیار خوبی بین شیعه و اهل سنت برقرار است. چرا که مبنای ما رجوع به اسلام ناب محمدی است.

حضور آیت الله العظمی نوری همدانی و طیف گسترده‌ای از حوزویان و دانشگاهیان برگزار شد و دومین همایش هم پارسال در شهر مقدس مشهد برگزار شد.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی گفت: با توجه به نظر مساعد آیت الله اراکی جهت برگزاری همایش تقدیر از پایان نامه در استان‌های مختلف و استقبال جنابعالی تصمیم بر این شد که سومین همایش تقدیر از آثار و پایان نامه‌های تقریبی هفته آخر اردیبهشت امسال در استان کردستان برگزار شود.

رئیس موسسه عروه الوثقی با اشاره به استقبال چشمگیر از این همایش‌ها تصریح کرد: در دو سال گذشته طبق فراخوان ما پایان نامه‌های دفاع شده بسیاری به دست ما رسید که در نهایت با ارزیابی‌های تخصصی ۱۰ اثر به عنوان برگزیده انتخاب شدند. که از میان برگزیدگان ۴ نفر اهل سنت و ۶ نفر شیعه بودند که به آنها جوایزی اهدا شد.

دکتر مختاری در پایان ضمن ابراز امیدواری از برگزاری موفق سومین همایش در استان کردستان افزود: با توجه به همکاری‌های گسترده بین پژوهشگاه مطالعات تقریبی و مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور و



نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**
سردبیر: **سید محمود خسروشاهی**

دفتر مرکزی: قم/ خیابان شهدا (مفاتیه) / نبش ممتاز
تلفکس:۰۲۳۳۱۴۳۴۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

انتقاد حضرت آیت‌الله مکارم

شیرازی از پول محوری در پژوهش

آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید بر لزوم مقابله با جریان های کاذب در عرصه مهدویت تاکید کرد و گفت: سیاست بازان به دنبال سوء استفاده از مهدویت هستند.

وی در دیدار با مسئولان پژوهشکده مهدویت اظهار کرد: در خصوص مسائل مربوط به مهدویت، دو سلسله بحث وجود دارد، نخستین آن، تکمیل و بیان مدارک و دوم، مقابله با سوء استفاده ها از این جریان است.

وی افزود: از صدر اسلام، سوء استفاده هایی از مهدویت صورت گرفته است، افرادی در زمان ائمه(ع) چنین مساله ای را در خصوص اسماعیل فرزند امام صادق(ع) بیان کردند.

این مرجع تقلید بیان کرد: امروزه سیاست بازان حس کردند که مهدویت، ابزار مناسبی برای سوء استفاده است و در همین زمینه فرقه ای را ایجاد کردند و توانستند حتی پیروانی را نیز برای این گروه ایجاد کنند. آیت‌الله مکارم شیرازی اظهار کرد:در تدوین قانون اساسی نیز همین مساله به وجود آمد و یک فرقه ضاله مدعی شد که مارانیز باید در کنار سه مذهب اقلیت رسمیت بدهید که نشان می دهد که آنها چقدر جسور شده اند.

وی گفت: نکته دیگر آن است که آنچه که مربوط به حضرت مهدی(عج) است، پیش از ظهور، علانم و نشانه ها به صورت مسلم آمده است، ولی در این خصوص که پس از ظهور چه اتفاقاتی رخ می دهد، هنوز پژوهش های زیادی در این زمینه انجام نشده است.

وی خاطر نشان کرد: زندگی عصر مهدوی و رجعت و عمر امام زمان(عج) از مسائلی است که امروزه جزء مسائل مبهم است و در این زمینه باید بررسی های بیشتری انجام شود. این مرجع تقلید بیان کرد: در این زمینه باید با احتیاط قدم برداشت، زیرا باید این راه کم نور را با احتیاط روشن کرد تا آسیبی متوجه این فرهنگ نشود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی اظهار کرد: مسائل مهدویت، غیر از مدعیان کاذب، آمیخته با خرافاتی نیز شده است و جداسازی خرافات کار آسانی نیست، زیرا برخی به این خرافات دل بسته اند و با آن فکرها زندگی می کنند.

وی گفت: نکته دیگر آن است که متاسفانه فرهنگ دانشگاهی به فرهنگ حوزوی منتقل می شود؛ فرهنگ دانشگاهی از فرهنگ غرب گرفته شده و این فرهنگ به مسائل مادی متکی شده است، نباید اجازه دهیم که مسائل علمی در حوزه، از رنگ حوزوی فاصله بگیرد.

وی افزود: تفسیر نمونه را طی ۱۵ سال نوشتیم، ولی یک ریال نیز به یک طلبه ندادیم، ولی امروز برای چند صفحه پژوهش به شکل کلمه ای حساب و کتاب می کنند و پژوهشگران بااین شکل می خواهند کار کنند که این نوع تفکر مشکلات بسیاری برای فعالان این عرصه ایجاد کرده است.

این مرجع تقلید بیان کرد: باید کاری کنیم که استقلال معنویت حوزه حفظ شود؛ در عین تأمین زندگی ها، باید مسائلی چون قصد قربت را به عنوان اصل در جامعه نهادینه کنیم؛ کارهایی که با قصد قربت انجام می شود سرعت و برکت گسترده ای دارد.

ایشان اظهار کرد: فعالان حوزوی باید به دنبال کیفیت بیشتر باشند تا کمیت؛ باید در نشریه های علمی حوزوی وسواس به خرج داد تا این کتاب با کیفیت عالی منتشر شود تا کسی نتواند از آن سوء استفاده کند.

ادامه از صفحه اول

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین روحانی در این اجلاس طی سخنانی گفت: امروز که با شعار «وحدت و همبستگی برای عدالت و صلح» گردهم آمده‌ایم، فرصت مناسبی است تا به سرنوشت مشترک تمامی مسلمانان در جهان، بیندیشیم. تنها چند قرن پیش، زمانی که تمدن بزرگ اسلامی در اوج قدرت و اقتدار خویش قرار داشت، شاید کسی تصور نمی‌کرد روزی جهان اسلام گرفتار این‌همه ضعف و سکون شده و در برابر تمدن غربی که در رشد فکری و علمی، وامدار مسلمانان بوده است، در موضع ضعف قرار گیرد یا آن روز که تمدن اسلامی همه نحل‌های فکری و اقوام و طوایف مختلف را در درون خود جای داده و همزیستی مسالمت‌آمیزی را بین آنان برقرار کرده بود، شاید کسی تصور نمی‌کرد روزی چنان فرقه‌گرایی و افراطی‌گری در بین مسلمانان شایع شود که کشته شدن مسلمان به دست مسلمان به امری عادی بدل گردد.

همه می‌دانند گروه‌های افراطی از کجا حمایت می‌شوند

دکتر روحانی افزود: واقعیت آن است که افول تمدن اسلامی از زمانی آغاز شد که قدرت‌های بزرگ اسلامی به‌جای هم‌افزایی به درگیری بی‌حاصل با یکدیگر پرداختند و زمینه را برای تهاجم‌های خارجی فراهم کردند. و اکنون متأسفانه تاریخ تکرار می‌شود. هجوم همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌خصوص فکری و اعتقادی به جهان اسلام مجددا شدت گرفته است ولی این بار به شکلی جدید و با استفاده از اسلام علیه اسلام و مذهب علیه مذهب، گروه‌های افراطی و تکفیری، که همگان می‌دانند از کجا و چگونه شکل گرفته‌اند و چطور حمایت می‌شوند، به خشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن مسلمان و غیرمسلمان را قتل‌عام می‌کنند. خشونت محض بر عطوفت اسلامی غلبه کرده و ارزش‌های جاهلی جایگزین ارزش‌های اخلاقی اسلام شده است. متأسفانه این سببیت تحت نام و لوای اسلام صورت می‌گیرد و قربانی اصلی در این میان «اسلام» است و اصول و ارزش‌های آن.

جهان اسلام سزاوار آن نیست که در موج ناامنی، خشونت و تروریسم سازمان‌یافته درغلطیده و مبتلا به عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی همه‌جانبه گردد. بلکه سزاوار آن است که بر جایگاهی برتر بنشیند؛ این ممکن نیست مگر آنکه با دغدغه بیشتر به وضعیت کنونی و دنیای پیرامونی خویش بیندیشیم؛ این عمل ماست که مبنای قضاوت مردم جهان اسلام در مورد اسلامیت رفتار ما قرار می‌گیرد نه ادعاها و القاب و عناوین ما. اگر کمک‌های مالی و نظامی، به برخی گروه‌های ضداسلام

رئیس‌جمهور در جمع سران سازمان همکاری اسلامی تأکید کرد

صهیونیسم منبع اصلی تولید خشونت و افراطی‌گری

امکان داد که نام اسلام را به گروگان بگیرند و چهره زیبای اسلام را به جنایت و آدم‌کشی بیالایند و برای توطئه زشت اسلام‌هراسی، شاهد و بهانه بسازند، چگونه می‌شود از سلم و سلام اسلام دفاع کرد؟

جنایت محکوم است چه در فلسطین و چه در بروکسل

جمهوری اسلامی ایران، از همان روزی که عهده‌دار ریاست هشتمین اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در تهران شد تا زمانی که ایده «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» (WAVE) را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح نمود، بر یک‌سخن محوری تکیه داشت و آن اینکه گفت‌وگو و تعامل سرآغاز درک دردها و مسائل اساسی زمانه و درمان مؤثر آنهاست. ما باید به نام اسلام در ائتلاف جهانی برای صلح و مقابله با خشونت، پیشگام باشیم و امنیت پایدار و حیات مطمئن و حقوق همه‌جانبه انسان را به منطقه و جهان بازگردانیم. اسلام به ما آموخته است که جنایت به هر نامی و در هر مکانی که انجام شود، جنایت است؛ چه در سرزمین مظلوم فلسطین باشد و چه در لاهور و بیروت و دمشق و استانبول یا در نیویورک و پاریس و بروکسل.

مهم آن است که ریشه‌ها و زمینه‌ها را به‌درستی بشناسیم و با عزمی استوار و اراده‌ای راسخ، درصدد مقابله با همه صورت‌های آن برآییم.

رئیس‌جمهور در ادامه تصریح کرد: به نام جمهوری اسلامی ایران برای نیل به این مقصود با صراحت اعلام می‌کنم: ۱- باید به اولویت گفت‌وگو و اتخاذ راه‌حل‌های دیپلماتیک در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، برای حل همه اختلافات وفادار ماند؛ تا سوءظن‌های سیاسی و تاریخی و غفلت از مداخله‌ها و نقش آفرینی قدرت‌های بزرگ و صهیونیسم اولویت گفت‌وگو را تحت‌الشعاع تصمیمات شتاب‌زده و آرایش‌های خاص سیاسی قرار ندهد.

۲- باید امنیت پایدار، پیشرفت علمی و توسعه همه‌جانبه اعضای سازمان همکاری اسلامی را امنیت، پیشرفت و توسعه جهان اسلام دانست و از آن استقبال کرد و اجازه نداد با ایجاد موقعیت‌های هراس‌انگیز و خلق خطرهای موهوم این ضرورت به محاق برود. جمهوری اسلامی ایران از همه اعضای سازمان، مجدانه می‌خواهد که ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ایران را از آن خود نیز دانسته و قدرت آن را قدرت خود بدانند، همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران همین باور را نسبت به سایر کشورهای اسلامی دارد.

رژیم صهیونیستی منبع تولید خشونت

۳- باید خطر رژیم صهیونیستی را به‌عنوان منبع اصلی تولید خشونت و افراطی‌گری همواره به خاطر

داشت و پذیرفت که استمرار قتل‌عام مردم بی‌گناه فلسطین و عمدتاً زنان و کودکان در سرزمین‌های اشغالی و حملات غیرانسانی و محاصره غزه، حاکی از سرشت خشونت‌آمیز رژیمی است که متأسفانه با تغافل جامعه جهانی و به‌خصوص قدرت‌های غربی به سبعت خود ادامه می‌دهد.

دکتر روحانی اضافه کرد: جمهوری اسلامی ایران با دوری از هرگونه تنش و بی‌ثباتی در منطقه، با سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی شفاف خود، همواره در راستای گسترش همبستگی و وحدت امت اسلامی تلاش نموده، تقویت روابط با کشورهای اسلامی را از اولویت‌های اصلی خود قرار داده و بر این اعتقاد راسخ است که حل‌وفصل اختلافات و سوءتفاهمات صرفا از مسیر دیپلماتیک و با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و انجام مذاکرات میسر می‌باشد. برای همه روشن است که نه عربستان مشکل ایران است و نه ایران مشکل عربستان. مشکل اصلی، چهل و تعصب و خشونت‌ورزی است. معضل همه ما، اختلافات در جهان اسلام است.

ایران در کنار مسلمانان مظلوم می‌ماند

رئیس‌جمهور با یادآوری این نکته که جمهوری اسلامی ایران همواره پشتیبان کشورهای اسلامی و مسلمانان در برابر تجاوز و تهدید و اشغال و تروریسم بوده و هست، گفت: آن روز که صدام به کویت تجاوز کرد؛ این ایران بود که قبل از همه این تجاوز را محکوم نمود و به آوارگان کویتی و عراقی پناه داد؛ آنگاه که تروریست‌های تکفیری به دروازه‌های بغداد و اربیل نزدیک شدند، این ایران بود که در برابر تهاجم وحشیانه آنها به کمک ملت و دولت عراق شتافت؛ آنگاه که دمشق در معرض اشغال و نابودی تروریست‌ها قرار گرفت این ایران بود که در کنار سوریه ایستاد؛ زمانی که غزه مورد تجاوز صهیونیست‌ها قرار گرفت، حزب‌الله رشید و ایران در کنار ملت فلسطین ایستادند و روزی هم که لبنان مورد تجاوز آنها قرار گرفت باز هم حزب‌الله بود که در پیشاپیش مردم لبنان درصحنه نبرد قرار گرفت. اگر روزی تروریست‌ها و متجاوزان بخواهند هر کشور اسلامی یا اماکن مقدس اسلامی را تهدید کنند و از ما کمک خواسته شود، بی‌درنگ آماده کمک به مسلمانان مظلوم خواهیم بود.

روحانی در پایان تأکید کرد: از اجلاس سازمان همکاری اسلامی که به نام وحدت برگزارشده است، نباید هیچ‌گونه پیامی که به تفرقه در میان امت اسلامی دامن بزند برخیزد و هر حرکت تفرقه‌افکنانه‌ای از آنجا که اجماع این سازمان و امت اسلامی را به همراه ندارد و با فلسفه تشکیل این سازمان در تعارض است، قطعاً بی‌اعتبار است. ما به‌حکم رحمانیت و عقلانیت اسلامی، وظیفه داریم که هرگونه غبار خشونت و افراطی‌گری و فرقه‌گرایی را از چهره دین بزدااییم.

دکتر جابر عنصری، پدر پژوهش تعزیه ایران درگذشت

عامه، پدرش علی عنصری بود؛ وی در آثار خود از نگاهی جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می‌نگریست.

وی استاد ممتاز دانشگاه‌های تهران بود و در کنار پژوهش‌های فراوان بیش از ۴۰ کتاب در زمینه فرهنگ ایران به رشته تحریر در آورده است که از آثار وی می‌توان به «شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان»، «شبهه‌خوانی کهن الگوی نمایش‌های ایرانی»، «مردم‌شناسی و روانشناسی هنری»، «عاشق‌ترین عاشقان فرهنگ»، «فرهنگ و پژوهش» و «نسیم خاطرات» اشاره کرد. مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله درباره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محلی ایران است.

پژوهشگر برجسته تعزیه به‌دلیل فعالیت‌های پژوهشی ارزشمند در عرصه هنر تعزیه و شبهه‌خوانی لوح ویژه پدر تعزیه دانشگاهی ایران را دریافت کرد.

بهشت زهرا (س) منتقل و در یکی از قطعات عادی آن به خاک سپرده شد.

جابر عنصری در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده فرهنگی و مذهبی در محله معمار شهر اردبیل به دنیا آمد و از کودکی به تعزیه و شبهه‌خوانی علاقه‌مند بود. این پژوهشگر برجسته در سال ۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد و در سال ۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران‌شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.

عنصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردم‌شناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهش‌های قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و به‌ویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت.

نخستین استاد جابر عنصری درباره هنر و ادبیات